



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال هفتم، شماره پنجاه و ششم، اردیبهشت ۱۳۹۸

تصویب اساسنامه جدید پژوهشگاه

همایش ملی «استاد مطهری و مطالعات قرآنی معاصر»

ارائه گزارشی از اجرای طرح کلان «توانمندسازی اجتماع محور و اجرای آن در منطقه مکران»

استقبال از آثار پژوهشگاه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

برگزاری سومین جلسه هم‌اندیشی «راهکارهای تحقق رونق تولید»

تشکیل بیست و یکمین جلسه شورای راهبردی پژوهشگاه

جلسه دیدار ماهانه اعضای هیأت علمی با هیأت رئیسه

برگزاری جشن نیمه شعبان (ولادت امام عصر (عج))

مصاحبه با مدیر مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات پژوهشگاه

نشست‌ها و سخنرانی‌ها

کرسی نظریه پردازی «نخبه‌گرایی مشارکتی»

تصویر آفرینی نهج‌البلاغه از قرآن

طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی: اندیشه‌های آیت‌الله حاج شیخ محمد مهدی آصفی (قدس سره)

چرا ایران، یک ایده است و ایده بودن آن به چه معنا است؟

مسأله و ایده ایران

پیوندهای فرهنگی و ادبی ایران و هندوستان

سیل فروردین‌ماه و پیامدهای آن: رسانه‌ها، جامعه و کنشگری در بحران

روند پژوهش‌های ارتباطی در ایران

زبان در جهان واقع: پژوهشی از روانشناسی زبان

نقش خانواده در گذر ایمن از فضای مجازی

پژوهش‌های تاریخی در خدمت منافع ملی

سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی: دگرگونی‌ها و نتایج

هم‌اندیشی میراث نالموس: پرسش‌ها، چالش‌ها و رویکردها

نقد و بررسی کتاب «فلسفه پول»

اساسنامه جدید پژوهشگاه تصویب شد

اولین نشست از دوره چهارم هیأت امنای پژوهشگاه به تصویب رسید. یادآوری می‌شود؛ اساسنامه پیشین سازمان پژوهشگاه با نام «مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی» ثبت شده و در سال ۱۳۶۹ به تصویب شورای عالی گسترش آموزش عالی رسیده بود. این سازمان در سال ۱۳۷۳ به نام «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» تغییر کرده است.

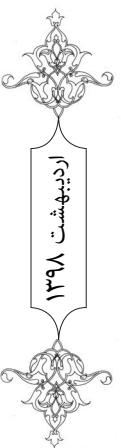
اساسنامه جدید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پس از تأیید در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جهت اجرا ابلاغ شد. این اساسنامه که در جهت روزآمدسازی وظایف، اهداف و ساختار پژوهشگاه تدوین شده است، ویژگی‌هایی مانند تأکید بر کاربردی‌سازی علوم انسانی و گسترش شبکه نخبگانی و ایجاد فرصت‌های ملی و بین‌المللی گفتگوی میان دانشمندان را در خود دارد. این اساسنامه در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۱۳۹۷ در

تشکیل بیست و یکمین جلسه شورای راهبردی پژوهشگاه

شکل گرفته است. به همین دلیل هیچ طرح پژوهشی نباید بدون انطباق با برنامه راهبردی جهت تصویب وارد شورای پژوهشی شود. هدف پژوهشگاه بر این است که «شورای راهبردی» در حقیقت به اتاق فکر پژوهشگاه تبدیل شده است. در ادامه دکتر مسعود رضایی، مدیر نظارت و ارزیابی، گزارشی از عملکرد دفتر نظارت و ارزیابی در سال ۱۳۹۷ ارائه کرد. بعد از ارائه گزارش، به بررسی ابعاد تحقق و اجرای آئین نامه «نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت» ابلاغی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ پرداخته شد.

بیست و یکمین جلسه شورای راهبردی با سخنان دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ تشکیل شد.

در ابتدای جلسه دکتر قبادی در مورد اهمیت تشکیل جلسات شورای راهبردی گفت: «شورای راهبردی یکی از مهمترین جلسات پژوهشگاه است و نقش بسیار مؤثری در تدوین برنامه راهبردی پنج ساله دوم پژوهشگاه دارد. وقتی با همدلی شورای پژوهشی و شورای راهبردی برنامه توسعه پژوهشگاه تصویب می‌شود و طرح‌ها هم از طرف اعضای محترم هیأت علمی و پژوهشکده‌ها پیشنهاد می‌شوند، یعنی یک حرکت درون‌زاد برنامه‌مدار



برگزاری سومین جلسه هم‌اندیشی «راهکارهای تحقق رونق تولید»

دکتر صادقی‌زاده، دکتر هدایتی، دکتر احدی و دکتر گرامی هریک پیشنهادهایی برای برگزاری هرچه اثربخش‌تر این سلسله نشست‌ها ارائه دادند. حفظ مالکیت فکری ایده‌های اعضای هیأت علمی، دعوت از صاحب‌نظران و سیاستگذاران در نشست‌ها و توجه به ابعاد متکثر موضوع از طریق فراخوان‌های داخلی از جمله پیشنهادها حاضران بود.

سپس دکتر قبادی با تأکید بر نقش پیش‌رانی و هدایت‌گری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با هدف دستیابی به جایگاه پژوهشگاه نسل چهارم، خروجی‌های مورد انتظار را در قالب توصیه‌های سیاستی، گزارش‌های راهبردی و خلق موج مثبت رسانه‌ای تعریف کرد.

در پایان مقرر شد یک کار گروه تخصصی، شرح خدمات ارائه شده از سوی پژوهشگاه را تدوین کند و پیش‌نشست‌هایی توسط اعضای هیأت علمی پژوهشگاه برای طرح ایده‌های اولیه و ایجاد موج مشارکت در پژوهشگاه برگزار شود و در دیدار ماهیانه اعضای هیأت علمی پژوهشگاه، آقایان دکتر صادقی‌زاده و دکتر ابوترابی به طرح بحث اولیه موضوع بپردازند.

سومین جلسه هم‌اندیشی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مورد سلسله نشست‌های «رونق تولید» در تاریخ شنبه ۳۱ فرودین ماه ۱۳۹۸ برگزار شد.

در این جلسه دکتر ابراهیمی، مسئول راه‌اندازی مدیریت ترویج و کاربردی‌سازی پژوهش‌ها، طرح اولیه پیشنهادی خود را مطرح کرد و ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی/ فرهنگی، حقوقی و قانونی، محیطی/ اخلاقی و فن‌آوری آن را برشمرد. وی با اشاره به اینکه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در صدد است رویکرد خود را از برگزاری همایش، به سلسله نشست‌های نخبگانی بین رشته‌ای تغییر دهد، پیشنهاد کرد نشست‌های تخصصی با مشارکت اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صاحب‌نظران و استادان مدعو متخصص از سایر دانشگاه‌ها، نقش‌آفرینان و بازیگران صنعت اعم از تولیدکنندگان، مدیران و کارآفرینان برگزار شود.

وی در ادامه گفت: «بدین منظور لازم است شورای علمی مجموعه نشست‌های «علوم انسانی و رونق تولید» با حضور نمایندگان پژوهشکده‌های مختلف تشکیل و

برنامه نهایی زمان‌بندی و موضوع نشست‌ها ارائه شود».

در ادامه جلسه، دکتر ابوترابی طرح پیشنهادی پژوهشکده اقتصاد و مدیریت با موضوع آسیب‌شناسی رشد را مطرح کرد و با اشاره به انطباق این مدل با مدل‌های رشد درونزا، آن را برای تحلیل سلسله‌مراتبی عوامل مؤثر بر آسیب‌رسانی رشد قابل استفاده دانست.



همایش ملی «استاد مطهری و مطالعات قرآنی معاصر»

حرکت و شهادتش سازنده بود». در ادامه دکتر علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: «از برگزاری این همایش تشکر می‌کنم؛ چون این همایش به یک بعد کمتر دیده شده از تفکرات شهید مطهری توجه کرده است. در این فرصت بررسی می‌کنیم که روش‌های فکری شهید مطهری در بین روش‌های فکری اسلامی که به معنی عام رنگ فلسفی دارند، در کجا قرار دارند».



انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و بنیاد فرهنگی شهید مطهری برگزار می‌کند

همایش ملی استاد مطهری و مطالعات قرآنی معاصر



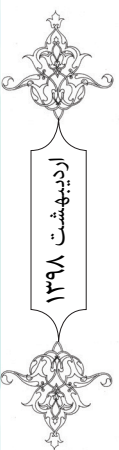
پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۸ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۹ صبح تا ۱۷ عصر



همایش ملی «استاد مطهری و مطالعات قرآنی معاصر»، دوازدهم اردیبهشت ۱۳۹۸ به همت انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در روز شهادت استاد مطهری که به روز معلم نیز نامگذاری شده است، جمعی از اندیشمندان و علاقه‌مندان استاد گردهم آمدند و نشستی را برگزار کردند که در آن بحث‌ها سوالات خوبی هم شکل گرفت و پنل‌هایی نیز به همین منظور برگزار شد.

در ابتدای این همایش دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن عرض خیرمقدم به حضار و تبریک روز معلم گفت: «امروز، روز استاد شهید مرتضی مطهری است، در کنار همه فضائل شهید مطهری، یک ویژگی بسیار مهم که شاید بدان کمتر پرداخته شده مسئله‌مندی ذهن و آثار ایشان است. اگرچه ایشان در یکی از آثار خود، نزدیک به بیست مسئله را یادآوری می‌کنند اما در همه آثار ایشان، این نگاه وجود دارد. شهید مطهری در آن زمان، به صورت مسئله‌مند آمد و گفت که گفتمانی تمدن‌ساز است که اسلام و ایران را همگرا بدانییم. ایشان مانند یک محقق حرفه‌ای مباحث را تعقیب کردند و نشان دادند که این افرادی که دم از ایرانیّت و اسلامیت می‌زنند حتی محقق هم نیستند». دکتر قبادی ادامه داد: «استاد مطهری در آن سطح حتی کتاب «داستان و راستان» را هم می‌نویسد و می‌خواهد مسائل جامعه را حل کند و قصد دارد تا نسل آینده را به کارآمدی اسلام در آن روزگار باورمند بسازد. این کتاب، قبل از انقلاب برنده جایزه یونسکو هم شد. دیگر آثار استاد نیز به برکت علامه طباطبایی توانستند کمر مارکیسیم را در ایران بشکنند. بنابراین استاد مطهری هرگز مقتضیات زمان را رها نکرد و متوقف نشد».

قبادی در ادامه سخنان خود به ویژگی‌های یک معلم نمونه اشاره و بیان کرد: «معلم، در درجه اول باید به علم خود تعهد داشته باشد، علم را نمی‌توان ابزار معیشت کرد، اما افزون بر تعهد به علم که بسیار مهم است، باید محضر معلم، بدون آنکه تبلیغ کند، محضر اولیاء الهی باشد، سازندگی داشته باشد. معلم باید با سکوت و حرف زدن خود نیز به دیگران درس بیاموزد؛ یعنی اینکه باید مواظب باشد که سکوتش نیز آموزنده باشد. ما بیش از آنکه به علم معلم نیاز داشته باشیم، به معنویت و سلوک و سیره معلم نیاز داریم که شهید مطهری نیز اینطور بود و این ویژگی‌ها را در خود داشت. هنگامی که امام خمینی (ره) در مورد ایشان فرمود که طهارت روح داشت و همه آثارش را بخوانید، یعنی خدا به ایشان مقامی عنایت کرد که بی‌حرف نیز از او کلام می‌رویید. بنابراین سکوت و



علی مطهری در ادامه با اشاره به ترور استاد مطهری گفت: «به عقیده من با توجه به شرایط خاص آن زمان و خطرات و تهدیداتی که وجود داشت، در مورد ایشان کوتاهی شد. در آن زمان به غیر از استاد مطهری فرد دیگری مورد تهدید نبود، چرا که ایشان در خصوص "فرقان"، "کمونیست‌ها" و "مجاهدین" به صراحت موضع‌گیری می‌کردند و روشن بود که به سراغ ایشان می‌آیند و او را مورد هدف قرار می‌دهند». نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از صحبت‌های خود، با اشاره به ویژگی‌های تفکری و مطالعاتی شهید مطهری، تأکید کرد: «شهید مطهری هیچ گاه فلسفه زده نشد و از تعصب فرقه‌ای و تعصب گروهی پیروی نکرد. ایشان هیچ گاه عرفان زده و کلام زده نشدند، چرا که روح علمی داشتند و به دنبال کشف حقیقت بودند، البته ایشان به برخی از فلاسفه مانند ملاصدرا انتقاداتی را وارد می‌دانستند. ایشان معتقد بودند که هنگامی که فلاسفه وارد تفسیر قرآن می‌شوند نمی‌توانند از قالب فلسفه خارج شوند و باز از جوهر عرض استفاده می‌کنند».

وی به خاطره خود از روز پایانی حیات شهید مطهری اشاره کرد و گفت: «ایشان در شب دوازدهم اردیبهشت به شهادت رسیدند، اما روز دوازدهم، روز شهادت و معلم نامیده شد. نکته جالب برای من آن حالتی است که در همان روز آخر داشتند. در آن دوره، دانشجوی رشته مکانیک در دانشگاه تبریز بودم. روز دوشنبه‌ای بود که در خوابگاه بودیم و در بین راه، صدای ایشان را از رادیو شنیدم که یکی از سخنرانی‌های ایشان را از رادیو پخش می‌کردند و هوس کردم که به تهران بروم، درحالی‌که می‌خواستم دو هفته دیگر به تهران برگردم. سوار اتوبوس شدم و به طرف تهران آمدم. صبح زود به تهران رسیدم و به منزل آمدم و دیدم که ایشان روی تخت خود نشسته و در حال نوشتن بودند که بعداً دیدم یک مطلبی را می‌خواستند به عنوان مقدمه کتاب مسئله حجاب قرار دهند که فکر می‌کنم تحت عنوان نقش بانوان در تاریخ معاصر ایران بود که البته ناقص هم ماند و بعداً در کتاب آینده انقلاب اسلامی

ایران آن را آوردیم. ایشان وقتی من را دیدند تعجب کردند و گفتند که چرا آمدید و مگر قرار بود که بیایید؟ بنده گفتم، روز تعطیل است و به همین دلیل آمدم. ایشان از دانشگاه تبریز پرسیدند که آنجا چه خبر است و برای روز کارگر چه می‌کنند؟ بنده هم توضیحاتی را ارائه کردم و ایشان گفتند که بناست امام نیز امروز پیام خوبی بدهند و به هر حال این گذشت. هنگام ظهر، سر سفره ناهار، باهم بودیم و آقای علی لاریجانی

نیز حضور داشت، اما مقصودم این است که آن روز، ایشان بسیار شاد بودند و حالت غیرطبیعی داشتند و به فکر بودم که چرا ایشان می‌گویند و می‌خندد و شاد است؟ به ایشان گفتم که آقای بازرگان، دو شب قبل گوشه و کنایه‌هایی به امام می‌زد و ایشان گفتند که امام نیز از بازرگان راضی نیست و ظرف همین چند روزه می‌خواهیم که دولت را برکنار کنیم و یک دولت جدید و انقلابی روی کار آوریم. خلاصه در همان جا صحبت استاد علامه جعفری شد و اینکه ایشان توجهی به حصار و مستعلمان ندارند و حرف خود را می‌زنند و ممکن است برای توده مردم، بحث فلسفی کنند. چند خاطره گفتم و خلاصه خیلی عجیب بود که ایشان شاد بودند و شب هنگام نیز آن اتفاق افتاد. بعداً با خودم گفتم که این قضیه آمدن من به تهران، گویی به این صورت بود که یک نیرویی من را به سمت تهران می‌کشید. مقصودم از بیان این خاطره، آمادگی ایشان برای شهادت بود که احساس می‌کنم ایشان مطلع بود و البته بعد از اینکه تیمسار قرنی را ترور کردند و فرقانی‌ها گفته بودند که دو روحانی را ترور می‌کنیم، ایشان گفته بود که به سراغ من می‌آیند و البته محافظ داشتن را هم رد نکرده بود و قرار بود محافظان ظرف یکی دو روز آینده بیایند اما متأسفانه این اتفاق رقم خورد».

در ادامه حجت‌الاسلام مصطفی رستمی، رئیس نهاد



نماینده‌گی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، در همایش استاد مطهری و مطالعات قرآنی معاصر بیان کرد: «اگر بخواهیم انسان طراز را در قرآن و روایات کشف کنیم، طبیعتاً ایمان شرط اول آن است، اما این ایمان با لوازمی موجب رفعت مؤمن می‌شود. انسان مؤمن به علم و جهاد اشتغال دارد، اما می‌توان گفت که تقوا بر همه این مسائل حاکم است. امیرالمؤمنین در آن شبی که از سوی دشمن ترور شدند، فرمودند که راه انسان مؤمن و مجاهد را باز بگذارید و از حرکت او ممانعت نکنید. تعبیر مؤمن مجاهد را حضرت به کار می‌برند و زمانی که به شهید مطهری و خصوصیات شهید مطهری و رسالتی که همه معلمان نیک جامعه دارند توجه می‌کنیم، این خصوصیت جهاد همراه با علم در ایشان یافت می‌شود و ما نیز باید برای تحقق آن تلاش کنیم. جهاد نیز به معنای عام مراد است. باید اصرار کنیم که تعاریف قرآن از ارزش‌ها با همان تعاریف تداول یابد. مفهوم هجرت و جهاد و ... مفاهیمی

در واقع، شهید مطهری مصداق عالم نافع و علم نافع است. شهید مطهری کسی است که از عرصه جهاد نیز خارج نشده اما وجه مهم‌تر جهاد علمی ایشان است که هر کجا انحرافی وجود دارد، ایشان نیز به آن می‌پردازد. مبارزه با ناسیونالیسم به معنای غلط خود و مبارزه با التقاط در قالب‌های مختلف و مبارزه با تحجر و غلو در قالب‌های مختلف را پیگیری می‌کرد. امام راحل نیز در پیام خود اشاره کردند که آنها شخص مطهری را شهید کردند اما شخصیت علمی او همواره وجود خواهد داشت».

در ادامه پنل‌های ذیل طبق برنامه برگزار شد.
- استاد مطهری و بازاندیشی در مباحث علوم قرآنی
- استاد مطهری و گفتگوی مطالعات قرآنی و علوم انسانی
- استاد مطهری، مطالعات قرآنی و تحوّل اندیشه دینی
- میراث فکری استاد مطهری و رویکردهای تفسیری معاصر



است که در درون خود آن قدر وزن برای حمل مفاهیم دارند که به دنبال واژگان جایگزین برای امروزی کردن آن نباشیم. بنابراین عالم مجاهد، برای شهید مطهری تعبیر بسیار دقیقی است». حجت‌الاسلام رستمی در ادامه افزود: «ما بحث علم نافع و غیرنافع را داریم که هر روز یکی از چیزهایی که از خدا می‌خواهیم این است که به خدا پناه ببریم و دانش سودمند را طلب کنیم. دانشی که سودمند نباشد طغیان‌آفرین است و باید از آن دانش کناره گرفت.



تسلیت پژوهشگاه به مناسبت درگذشت استاد محسن جهانگیری



دکتر محسن جهانگیری استاد پیشکسوت فلسفه، عضو بازنشسته دانشگاه تهران و چهره ماندگار علمی کشور صبح روز یکشنبه، اول اردیبهشت ماه، بعد از چند روز بستری در بیمارستان در سن ۸۹ سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، درگذشت این استاد گرانقدر را به جامعه علوم انسانی و فلسفه کشور تسلیت عرض می کند و برای آن یار سفر کرده از خداوند منان طلب آرامش و آمرزش دارد.

روحش شاد و یادش گرامی باد

گزارش طرح کلان «توانمندسازی اجتماع محور و اجرای آن در منطقه مکران» در جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه

اجتماع محور از سوی تیم اجرایی طرح ارائه شد و سه پروژه برگزیده پیشنهادی این طرح بر اساس اولویت اجرا، تحت عنوان «احداث بند خاکی و احیای هوتگ‌ها»، «طرح احداث اقامتگاه‌های بوم گردی در روستای درک» و «طرح تأسیس تعاونی سوزن‌دوزی» معرفی شدند. ظرفیت ایجاد شغل گردشگری بر اساس

در جلسه شورای پژوهشی مورخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ گزارش نهایی فاز نخست طرح جامع «طراحی الگوی توانمندسازی اجتماع محور و اجرای آن در منطقه مکران» ارائه شد. هدف این طرح، توانمندسازی جامعه محلی مکران در راستای کاهش فقر و ایجاد اشتغال است. این طرح به شناخت وضع موجود



گردشگری داخلی و خارجی نیز به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. در پایان برآوردهای فنی، اقتصادی و اجتماعی طرح‌های پیشنهادی ارائه شد که به ایجاد شغل یا پایداری آن برای حدود ۳۲ هزار نفر می‌انجامد. با انجام این طرح حداقل ۷ روستا به طور مستقیم از نظر نیروی کار و خدمات، و در سطحی وسیع‌تر کل منطقه مکران با جمعیت حدود ۴۰۰ هزار نفر به طور غیرمستقیم منتفع خواهند شد.

در ادامه دکتر سیدمصطفی عاصی با اشاره به ظرفیت‌ها و استعدادهای منطقه، گفت: «این منطقه نباید فراموش شود؛ چرا که در هر نقطه‌ای از آن امکان جوشش و شکوفایی وجود دارد و خواستار فراگیر شدن طرح در تمام منطقه شدند».

دکتر نعمت‌الله فاضلی نیز با اشاره به اینکه «ظرفیت‌های منطقه مکران ما را صدا می‌زند» دو نوع بهره‌برداری از نتایج طرح را پیشنهاد کرد؛ بهره‌برداری مستقیم که با اهداف فنی طرح در ارتباط است و بهره‌برداری غیرمستقیم که با اهداف گفتمانی طرح سازگاری

جامعه هدف در منطقه مکران، تدوین الگوی مناسب بومی مشارکت و توانمندسازی، شناخت ظرفیت‌ها و امکانات کاهش فقر، ایجاد اشتغال در روستاها و اجرای طرح توانمندسازی برگزیده در روستاهای منتخب پرداخته است. دکتر محمدی مجری طرح مکران در توضیح اقدامات انجام شده برای اجرای طرح، به انجام مطالعات کتابخانه‌ای و به‌گزینی، مشاهدات میدانی و استخراج فنون توانمندسازی از طریق ایجاد اعتماد، متقاعدسازی و تغییر نگرش جامعه هدف اشاره کرد. وی گفت: «منطقه مکران به دلیل فقر اقتصادی و اجتماعی، مشکلات ساختاری و مسائل و آسیب‌های اجتماعی، نیازمند بهره‌گیری از حکمرانی محلی برای تسهیل‌گری توانمندسازی اجتماع محور است و بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی توانمندسازی حکمرانان محلی، توانمندسازی ساختاری و برگزاری توأمان دوره‌های تسهیل‌گری، آموزش و پایش، الگوی مناسب بومی برای این منطقه محسوب می‌شود». در ادامه پیشنهادهایی برای نیل به توانمندسازی



قدردانی از تلاش‌های مجریان، به عزم جدی ایران و هند و طرف‌های بین‌المللی برای توسعه این منطقه اشاره کرد و خواستار ارائه پیشنهاد برای بهره‌مندی از نتایج این طرح شد. ارائه یک بسته آموزشی اجتماع محور با برند پژوهشگاه، برگزاری مجموعه کارگاه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی با محوریت این موضوع در پژوهشگاه و مهم‌تر از همه، پیشبرد این طرح با هدف اشتغال واقعی افراد این منطقه، از پیشنهادهای طرح شده از سوی وی بود.

دارد. وی گفت: «این طرح‌ها نباید به اهداف فنی و تکنیکی محدود شوند و برای بهسازی و توسعه منطقه باید برنامه‌ریزی گفتمانی داشت تا برنامه‌ریزی‌های فنی، پایا و اثرگذار باشند. دانش‌های فردی ایجاد شده در قالب ادبیات، به‌گزینی‌ها، مشاهدات و تجارب مستندسازی شده شاید از نتایج مستقیم طرح مهم‌تر باشند. تسهیل فرایندهای تبدیل سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی به یکدیگر، راهگشای بحران منطقه جنوب است». در پایان نشست دکتر قبادی ضمن



جشن نیمه شعبان (ولادت امام عصر (عج))

بیرونی داشته باشد، اما ممکن هم هست در درون ما عاملی باشد که از درون ما را متوقف کرده و راه رشد ما را بسته باشد. در این صورت بر همه روشنفکران و همه اهل درد و نظر لازم می‌آید که موضوع و مفاهیم دینی را از نو ارزیابی کنند».

دکتر مهدوی تأکید کرد: «در عین حال ممکن است در آموزه‌های دینی راهبردهای مهمی برای دردهای ذهنی و فکری و روحی ما وجود داشته باشد که اگر بی‌توجه از کنار آن عبور کنیم، همین نعمات و برکات این آموزه‌ها هم از دست ما خارج شود. متأسفانه برخی از مراسم و مناسک که در طول تاریخ فرهنگ دینی به ما ارث رسیده است، نه تنها کمک نکرده‌اند که ما انسان‌های خردمندی بار بیاییم، بلکه به‌رغم تأکید قرآن به علم و خردورزی، نوعی عقل‌ستیزی و بی‌مهری به عقل و خرد در آن وجود دارد. همچنین اگرچه روح قرآن و آموزه‌های دینی، زندگی معنوی و اخلاقی است، اما کسانی هستند که آموزه‌هایی را ترویج می‌کنند که به نام دین، اخلاق ستیز هم بوده‌اند و به واسطه آن برخی افراد کم‌کم نسبت به مسئولیت اجتماعی و تعهد اخلاقی بی‌اعتنا شده‌اند. ناخواسته دچار زندان درون شده‌ایم. زندان بی‌خردی و بداخلاقی بدترین زندان‌هاست. حسادت و خشونت و... مانند دیوارهای زمختی هستند که به دور دیوار درونی آدمی کشیده شده‌اند. این بی‌اخلاقی و بی‌خردی جز رنج و درد برای انسان به ارمغان نمی‌آورد. قرآن هم برای این آمده که این دیوارها را بشکنند».

این استاد دانشگاه تصریح کرد: «در قرآن و نهج‌البلاغه دو استراتژی جدی از ابتدا تا انتهای آن وجود دارد. یکی اینکه خداوند خردمندان را دوست دارد. اینکه انسان‌ها بفهمند، بسنجند و قدم بردارند، برای خداوند مطلوب است. در قرآن نمی‌گوید شما بروید تعبید ناآگاهانه و بی‌چون و چرا کنید. پروژه خداوند در قرآن این است که انسان‌هایی در این زندگی موفق می‌شوند که سنجش‌گر هستند و از عقل بیشتری برخوردارند».

وی خاطر نشان کرد: «از سوی دیگر قرآن می‌گوید صرف کثرت عبادت راه بهشت را هموار نمی‌کند. نماز زمانی می‌تواند راه بهشت را هموار کند که تأثیر اخلاقی در انسان فراهم کند. روزه زمانی می‌تواند اثربخش باشد که تحول اخلاقی ایجاد کند. نماز، روزه، حج و جهاد هیچ کدام اثری ندارند، مگر اینکه در شخصیت انسان تحول ایجاد کنند. اما متأسفانه برخی می‌گویند، چون عقل ناقص و ناکارآمد است، پس ما نیازمند دین هستیم. برای اینکه بتوانند دین را به دست بیاورند، عقل را قربانی می‌کنند. از طرف دیگر هم می‌گویند اگر شما نماز خوانده باشی و حج رفته باشی، مسلمانی ولو اینکه دروغ هم بگویی. کسی نمی‌گوید که نمازی

به همت معاونت فرهنگی- اجتماعی پژوهشگاه، جشن نیمه شعبان در روز دوشنبه ۲ اردیبهشت در سالن حکمت برگزار شد.

در ابتدای این مراسم دکتر کریمی علوی، معاون فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه، با تبریک عید نیمه شعبان گفت: «بسیاری از شعرا بزرگ ما در طول تاریخ به صورت غیرمستقیم در شعرهایشان به بحث ظهور منجی و حضرت مهدی (عج) اشاره کرده‌اند. وی



با خواندن اشعاری از حافظ، سعدی و ... ابراز امیدواری کرد، ان شاء الله دل‌های همه به واسطه این عید شاد باشد.

در ادامه این برنامه دکتر ناصر مهدوی، استاد دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر عرفان اسلامی با تبریک عید نیمه شعبان اظهار داشت: «بسیار مهم است که در محیط‌های دانشگاهی مثل پژوهشگاه، اعیاد دینی از منظری متفاوت نگریسته شود، چرا که ما در یک جامعه دینی زندگی می‌کنیم و آموزه‌های دینی در فکر، ذهن و روح ما رخنه کرده‌اند. ما اگر این آموزه‌ها را درست ارزیابی نکنیم، نمی‌توانیم برای بهبود کیفیت زندگی در جامعه خودمان گام برداریم».

وی افزود: «ما روز و شب با مفاهیمی مثل خدا، مرگ، قیامت و ... مواجه می‌شویم. خیلی از این مفاهیم وجود ما را دربر گرفته‌اند. لذا چه دیندار باشیم و چه نباشیم، چون در این سرزمین و جامعه‌ای که دینی است، زندگی می‌کنیم، باید در مورد آن فکر کنیم و تحلیل درست داشته باشیم. زیرا اگر آموزه‌های دینی در ذهن ما رخنه کرده باشند و درست هم نباشند، تبعات بدی دارد. مثلاً منجر به بی‌مسئولیتی می‌شود. ما باید مطالعه کنیم که اگر به طور مثال عقب‌مانده‌ایم، چه عواملی باعث این عقب‌ماندگی شده است؟ ممکن است عوامل مختلف



که باعث شود این همه دروغ گفته شود و این همه تخلف شود، کجایش درست است؟».

این پژوهشگر عرفان اسلامی افزود: «این نگاه باعث می‌شود که ذره ذره وجدان اخلاقی در ما ضعیف‌تر شود. در همین مسأله عاشورا ببینید چقدر تحریف صورت گرفته است. در ماجرای انتظار هم همین مسیر طی شده است. برخی از تلقی‌هایی که از انتظار داده می‌شود، به نظر غیرعقلانی و غیرعلمی می‌آید. تصویری که ارائه می‌شود، تصویر یک انسان منتقم است که می‌آید خون‌ها می‌ریزد و از دل این خون و خشونت و... عدالت برقرار می‌شود. چقدر نسل امروز می‌تواند



این حرف‌ها را بپذیرد؟ مگر می‌شود از طریق کشتن آدم‌ها عدالت برقرار شود؟ عدالت زائیده رشد و معرفت و آگاهی است. جایی که آگاهی نباشد، جایی که رشد اخلاقی نباشد، محال است عدالت پیدا شود. شما با کشتن و زیر و رو کردن جهان نمی‌توانید در جامعه‌تان عدالت را برقرار کنید».

وی افزود: «حضرت علی (ع) هم می‌گوید که من نتوانستم عدالت را برقرار کنم، چون بستر عدالت که خرد و آگاهی است، وجود ندارد. عدالت را شمشیر و قهر و غلبه و غیظ درست نمی‌کند. قهر و خشونت یک امر غیرطبیعی و قصری است. عدالت

زائیده پرورش ذهنی و روحی آدم‌هاست. حضرت می‌فرمایند؛ ای کاش ده سرباز خودم را می‌دادم و یکی از سربازان معاویه را می‌گرفتم. چرا اینطور است؟ حضرت می‌فرمایند؛ یکی به خاطر اینکه بدنتان را فربه کرده‌اید و در آن عقل نیست و دیگر اینکه دین شما پر از سر و صدا است و در آن شرم نیست، یعنی اخلاق نیست. نه در

دینتان شرم و اخلاق زائیده می‌شود و نه در پیکرتان عقل رشد می‌کند. جایی که عقل و اخلاق غروب می‌کند، آدم‌ها در زندان هستند».

دکتر مهدوی با پرسش قرار دادن چستی پروژه قرآن و امامان، گفت: «گرفتن خلافت و نشستن بر مسند حکومت هیچ وقت عدالت نمی‌آورد. گرچه این‌ها با هم تعامل دارند، ولی ایشان می‌دانستند که خلافت، عدالت نمی‌آورد و برای همین رغبتی برای قدرت نداشتند. ایشان می‌دانستند در چنان جامعه‌ای پروژه خلافت را با دیانت ترکیب کردن چه مصیبت‌هایی به بار می‌آورد. در این وضعیت کار اصلی آنها این بود که دلبری کنند و با تأثیر معنوی با فکر افراد در تماس باشند، با روح و روان می‌توانند ارتباط برقرار کنند. شما نمی‌توانید یک آدم را تغییر دهید مگر از روش‌های مؤثر تأثیرگذاری. شما نمی‌توانید جهان آدم‌ها را تغییر دهید، مگر اینکه جان و ذهن آدم‌ها را متحول کنید. کار مهم حضرت علی (ع) کمک به رشد عقل و معرفت آدمی بود. کار ایشان این بود که بستر اندیشیدن را فراهم کند. بستر یک زندگی عزتمند آزاد اخلاقی را فراهم کند. در این صورت است که انسان‌ها می‌توانند جهان خود و پیرامونشان را تغییر دهند. وقتی انسان‌ها حسن و زیبایی و معرفت و آگاهی و لطافت ببینند، مجذوب می‌شوند. طبع آدمی این است که در مقابل آن تسلیم می‌شود».

وی در پایان خاطر نشان کرد: «امام زمان (عج) وقتی بیایند، به همه انسان‌ها عشق خواهند ورزید. با خشونت و غیظ چیزی درمان نخواهد شد. اگر آن انسان بزرگ بیاید با پیام می‌آید. با پیامی که عقل‌ها را تشویق می‌کند که بهتر بفهمند. می‌آید انسان‌ها را تشویق می‌کند که از سر فروتنی زندگی کنند. اگر امام زمان (عج) بخواهد جهان را پر از عدل و داد کند، مطمئن باشید به سراغ جان آدمیان می‌آید. با پیامی روشن و عقل‌آفرین و عقل‌پسند می‌آید. با پیام عشق و اندیشه و معرفت می‌آید. آن موقع اگر انسان‌ها آن پیام را ببینند، صد البته جان‌شان نو خواهد شد و آن وقت می‌توانند جهان‌شان را آباد کنند».



طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی اندیشه‌های آیت‌الله حاج شیخ محمد مهدی آصفی (قدس سره)

- حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالحسن نواب رئیس محترم دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم
- حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد سعدی استاد علوم قرآنی در حوزه و دانشگاه و مدیر مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت‌الله آصفی (قدس سره). دکتر ثریا مکنون نیز مدیریت جلسه را برعهده داشتند.
- در ابتدای مراسم دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی دبیر علمی جلسه، در سخنان کوتاهی ضمن معرفی نشست علمی مذکور، از رونمایی کتاب نشست دوم



سومین نشست علمی طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی با محوریت بررسی اندیشه‌های آیت‌الله علامه حاج شیخ محمد مهدی آصفی (قدس سره) در تاریخ سه‌شنبه سوم اردیبهشت ۱۳۹۸ شمسی، توسط مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه و با مشارکت مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، دانشگاه علوم و فنون قرآن کریم (واحد قم) و مؤسسه البلاغ و با حضور بیت معزز آیت‌الله آصفی (قدس سره) و جمعی از استادان



طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی (آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر) در آینده‌ای نزدیک در شهر قم خبر داد که هم‌زمان با تشریح برنامه‌های چهارمین نشست علمی طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی (بزرگداشت آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی اعلی‌الله مقامه الشریف) خواهد بود. ان شاء الله در آینده

فرهیخته حوزه و دانشگاه، برگزار شد. در این نشست علمی که در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد، استادان فرهیخته حوزه و دانشگاه، به ایراد سخنرانی پرداختند و هر یک به معرفی جوانبی از حیات علمی، فرهنگی و سیاسی آیت‌الله آصفی پرداختند. سخنرانان به ترتیب ایراد سخنرانی عبارت بودند از:

- دکتر محمدحسن تبرائیان چهره ماندگار کشور (سال ۱۳۸۲) و مشاور عالی دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
- حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود محمدی عراقی عضو محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدحسن اختری دبیر کل محترم مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)
- حجت‌الاسلام والمسلمین سید جعفر حجت کشفی رئیس محترم موزه حرم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)



کتاب سومین نشست علمی طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی در قالب کتاب منتشر خواهد شد و مشروح سخنرانی‌ها در اختیار عموم قرار خواهد گرفت. سپس دکتر حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن عرض خیرمقدم به مهمانان شرکت‌کننده در سومین نشست علمی طلایه‌داران وحدت اسلامی و برشمردن ویژگی‌های آیت‌الله آصفی، ضمن بیان اهمیت برگزاری چنین جلساتی در چارچوب راهبرد نفی خشونت و گفتگو در منطقه آسیا به‌ویژه در جهان اسلام، اظهار امیدواری کرد که این‌گونه نشست‌ها جهت وحدت جهان اسلام تداوم یابد.

در ادامه سخنرانان هریک با رویکردی گوناگون به ایراد سخن پرداختند. دکتر تبرائیان با محوریت تبیین دیدگاه‌های عرفانی و اخلاقی آیت‌الله آصفی؛ حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی عراقی با محوریت معرفی ابعاد و جوانب متعدد علمی آیت‌الله آصفی؛ حجت‌الاسلام والمسلمین اختری با

حجت‌الاسلام والمسلمین سعدی به خدمات علمی و عمرانی آیت‌الله آصفی پرداختند.

از دیگر شخصیت‌هایی که در مراسم مذکور حضور به هم رساندند، می‌توان به حجت‌الاسلام والمسلمین سید موسی موسوی (قائم‌مقام مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی)؛ حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اصغر اوحدی (مشاور عالی دبیر کل مجمع جهانی تقریب)؛ استاد آیت‌الله سید هادی خسروشاهی؛ حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای و جمع دیگری از استادان حوزه و دانشگاه اشاره کرد.

از برنامه‌های جنبی نشست برپایی نمایشگاه عکس و آثار مرحوم آیت‌الله علامه آصفی بود و نمایش فیلم کوتاهی از معظم له و تشییع پیکر ایشان در نجف اشرف بود.

در پایان از سوی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، مؤسسه البلاغ و مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت‌الله آصفی هدایای کتاب میان حاضران توزیع شد.

دیدگاه‌های سیاسی آیت‌الله آصفی خصوصاً درباره حکومت اسلامی؛ حجت‌الاسلام والمسلمین حجت کشفی با تبیین سلوک معنوی آیت‌الله آصفی از خلال پنجاه سال آشنایی خود با معظم‌له؛ حجت‌الاسلام والمسلمین نواب با محوریت جایگاه آیت‌الله آصفی در هدایت جریان‌های اسلامی عراق و پرهیز از غوطه‌ور شدن در افراط و تفریط؛ و



دیدگاه‌های سیاسی آیت‌الله آصفی خصوصاً درباره حکومت اسلامی؛ حجت‌الاسلام والمسلمین حجت کشفی با تبیین سلوک معنوی آیت‌الله آصفی از خلال پنجاه سال آشنایی خود با معظم‌له؛ حجت‌الاسلام والمسلمین نواب با محوریت جایگاه آیت‌الله آصفی در هدایت جریان‌های اسلامی عراق و پرهیز از غوطه‌ور شدن در افراط و تفریط؛ و



تصویر آفرینی نهج البلاغه از قرآن

داشت که تصویرسازی شاخه‌ای از هنرهای کاربردی است که تصویرگر برای بیان ایده‌های خود از آن استفاده می‌کند. هنر تصویرسازی تقریباً از اواخر قرن ۱۸ و ۱۹ شروع می‌شود و دو شاخه دارد؛ یکی تصویرسازی‌های داستانی و دیگری تصویرسازی‌های تبلیغاتی. همان چیزی که امروز در مدیا با آن مواجه هستیم؛ تصاویری خلق می‌شود یا به عبارتی ساخته می‌شود برای انتقال مفهومی جدید و نو. همچنین در مباحث نشانه‌شناسی نیز یک بخش مربوط به تحلیل

هشتمین نشست مشترک مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام و مراکز مطالعات قرآن و مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید با محوریت نهج البلاغه با عنوان «تصویر آفرینی نهج البلاغه از قرآن» از سلسله نشست‌های به شمار می‌آید که براساس تفاهم‌نامه مشترک میان دانشگاه مفید و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مرکز تحقیقات امام علی (ع) روز سه شنبه ۱۳۹۸/۲/۱۰ در تالار گفتگوی دانشگاه مفید برگزار شد. این نشست علمی با سخنرانی دکتر آزاده عباسی،



تصاویر تبلیغاتی یا داستانی است. در بخش داستانی نکته عمیقی وجود دارد و آن اینکه نویسنده داستانی را نوشته و کسی براساس آن داستان نوشته‌شده، تصویر می‌کشد که این تصویرگری است که در آن سعی می‌شود آن داستان به تصویر درآید. این تصویر الزاماً خود داستان نیست بلکه نقاشی مرتبط است. مثل نقاشی‌هایی که برای کودکان در کتاب‌های داستان کشیده می‌شود. لذا در تصویرسازی و تصویرگری ذهن یک جولان فکری دارد و خودش هست که تصویر را می‌سازد و مؤلفه‌هایی را به صورت قراردادی تصویر می‌کند. پس تصویرسازی و تصویرگری ممکن است مفهوم مورد نظر را به خوبی بیان نکنند. اما در تصویر آفرینی ابزار آفرینش تصاویر، الفاظ هستند و از کنار هم قرار گرفتن الفاظ با عباراتی مواجه می‌شویم که این عبارات خود، تصویر می‌آفرینند. پس منظور ما از تصویر، عکس و فیلم و نقاشی نیست و طبیعی است که قلم و رنگ برای آفرینش تصویر به کار نمی‌روند، بلکه در تصویر آفرینی از کلماتی صحبت می‌کنیم که بار معنایی این کلمات یک تصویر را به ذهن خواننده منتقل می‌کند و آن فرد تصویری که

استادیار دانشگاه علوم قرآن و حدیث، برگزار شد. وی سخنان خود را در دو محور ارائه کرد. محور اول، در رابطه با خود تصویر آفرینی و واژه تصویر آفرینی، پیشینه آن و اینکه این بحث نسبتاً جدید در حوزه مطالعات بلاغی و ادبی کجاست. محور دوم، در رابطه با بیانات حضرت امیر (ع) بود که در کتاب نهج البلاغه و با رویکرد بلاغی جمع‌آوری شده است و اینکه تصویر آفرینی که از امور مهم بلاغت است در نهج البلاغه چه جایگاهی دارد و اینکه نهج البلاغه چه تصاویری را از قرآن خلق کرده است.

وی در ابتدا گفت: «در مورد تصویر آفرینی می‌توانیم راجع به موضوعات بسیاری در نهج البلاغه کار کنیم؛ همانطور که الان دانشجویان ما در رابطه با تصویر آفرینی در قرآن تقریباً نزدیک ۱۵ تا ۲۰ پایان‌نامه را به راهنمایی خود بنده کار کرده‌اند. الان فرصتی پیش آمده که راجع به تصویر آفرینی نهج البلاغه از قرآن صحبت کنیم و پیوند بین قرآن و نهج البلاغه را از این منظر بررسی کنیم».

عباسی در بیان مفاهیم مرتبط با تصویر آفرینی بیان



فیلم‌های مربوط به یاسین و الرحمن را صدا و سیما سعی کرده انجام دهد که البته انتقاداتی هم به آن وارد است. از آنجا که نهج‌البلاغه امیر المومنین بعد از قرآن، عالی‌ترین کتابی است که در حوزه بلاغت با آن آشنا هستیم و سیدرضی هم با رویکرد بلاغی مطالبی را که امیرالمومنین بیان فرموده، جمع کردند. لذا ما می‌توانیم نمونه‌ای را در نهج‌البلاغه هم ببینیم. اما تصویرآفرینی‌های نهج‌البلاغه با موضوعات گوناگون قابل بررسی است و البته مهارت علمی زیادی برای فهم همه آن لازم است.

از جمله تصویرآفرینی‌های نهج‌البلاغه از قرآن به طور نمونه کمک گرفتن از تصاویر مربوط به مظاهر طبیعی است. نمونه دیگر وسایل و ابزار و اموری است که بشر با آن آشناست. در پایان حاضرین در جلسه به بحث و تبادل نظر در این رابطه پرداختند.

در ذهن من خواننده ایجاد می‌کند با تصویری که در ذهن دیگری ایجاد می‌کند بسیار به هم شبیه است، چون ما از کلمات و خود متن تصاویر را پیدا می‌کنیم. اقسامی از تصویرآفرینی شامل تجسم بخشیدن به حقایق دینی، تجسم بخشیدن به حالات روحی انسان‌ها و دیگری به امور روحی و معنوی است. امیرالمومنین (ع) وقتی می‌خواهند از قرآن تصویر خلق کنند، قرآن را به صورت انسانی به تصویر می‌کشند و ما در تصاویر قرآنی آن را می‌بینیم. مهم‌ترین شیوه‌ها برای تصویرآفرینی استفاده از شیوه‌های بلاغی است مانند استعاره، کنایه تشبیه و تمثیل. بخش دیگری هم که شاید ظرافت هنری و دقت زیادی در آن وجود دارد، آفرینش تصاویر با استفاده از حروف و کلمات است. مسأله تصویرآفرینی را در عالی‌ترین حالت خود در قرآن می‌بینیم. قرآن برای بیان مطالب خود از زبان تصویر استفاده می‌کند. اگر قرآن یک دور با زبان تصویری خوانده شود از جذابیت‌های زیادی برخوردار است. یکی دو نمونه مثل



دکتر مصلح در کرسی نظریه پردازی «نخبه گرایی مشارکتی»: نخبگی از طریق مشارکت دموکراتیک روی می دهد

درباره مفهوم «الیت» و تعریف پارتو از آن، و نقد «الیتسیم»، به ویژه نظریه «الیتسیم دموکراتیک» می تواند راهگشا تر باشد. مقصود «الیتسیم دموکراتیک» این بود که بحث «الیت» را که از ابتدای ورودش به حوزه سیاست در گفتمان اقتدارگرا معناسازی شده، با

روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۹۸ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کرسی تخصصی «نخبه گرایی مشارکتی» برگزار شد. در آغاز جلسه، دکتر پگاه مصلح در توضیح کلی موضوع، عنوان طرح و کتاب خود را منطبق با روند پردازش



گفتمان دموکراتیک پیوند دهد که به طور بنیادی بر نفی اقتدارگرایی و سلطه یک گروه یا طبقه خاص استوار است. از این رو، نه تنها تأثیری بر تصلب دوگانگی الیت-توده نداشت بلکه آن را تقویت کرد. افزون بر این، چنین نظریه ای دموکراسی را به یک روش انتخابی بی محتوا فرو می کاهد.

وی در بیان نوآوری روش شناختی «نخبه گرایی مشارکتی»، بحث «ابهام گفتمانی» و «سنگوازه» را مطرح کرد و پس از آن به توضیح بازسازی مفهوم نخبه پرداخت. به گفته وی، اصطلاح های «نخبه» و «نخبه گرایی» به سبب ترادفی که با «الیت» و «الیتسیم» پیدا کرده اند مانند آنها تبدیل به نوعی «سنگوازه» شده اند. در حالی که «نخبگی» حامل دو عنصر ناگسستنی «زبدگی» و «انتخاب» است که آن را با «الیت» در تعریف ذکر شده متفاوت و از ظرفیتی دموکراتیک برخوردار می کند. از این منظر، «نخبه شدن» به جای «نخبه بودن» می نشیند و نخبگی، خصیصه ای ذاتی برای فرد یا گروه خاصی انگاشته نمی شود بلکه با شکسته شدن تصلب دوگانه نخبه و توده، از طریق مشارکت دموکراتیک روی می دهد.

وی در پایان، از «نظام موازنه مثبت آرای انتخاباتی» سخن

نظریه سیاسی دانست و گفت: «تفاوت نظریه سیاسی با فلسفه سیاسی در این است که نظریه سیاسی، از چارچوب بحث مفاهیم و هنجارهای سیاسی فراتر می رود و در فرایندی نظری، این مفاهیم را به کنش سیاسی پیوند می دهد. نخبه گرایی مشارکتی نیز بازسازی مفهوم «نخبه» و «نخبگی» را در گفتمان دموکراتیک، به گرایش سیاسی و کنش «مشارکت» در زندگی سیاسی پیوند می دهد».

دکتر مصلح کار نظری خود را متشکل از تحلیل و نقادی جدید، نوآوری روش شناختی، بازسازی مفهومی، و طرح پیشنهادی جدید در جهت بهبود روندهای سیاسی معرفی کرد و افزود: «مسئله ای که انگیزه شکل گیری نظریه و کتاب «نخبه گرایی مشارکتی» شده، تأثیر تقابل متصلب الیت-توده بر فرهنگ و فرایندهای سیاسی است که موجب تقلیل مشارکت سیاسی مردم به شرکت در انتخابات، بازتولید ساخت اقتدارگرایانه قدرت و نقایصی در فرایندهای انتخاب سیاسی می شود. پرسش این است که از چه راهی می شود چنین تصلبی را شکست و به نظریه های مناسب تر دست یافت».

وی در ادامه گفت می کوشد نشان دهد که نخبه گرایی مشارکتی، با تکیه بر نقد منطقی و گفتمانی جدیدی



گفت و آن را به منزله یکی از شیوه‌های عملی کردن نخبه‌گرایی مشارکتی در زندگی سیاسی و جلوگیری از پوپولیسم و سوء استفاده از نابرابری روزافزون اقتصادی مطرح کرد.

پس از توضیحات دکتر پگاه مصلح، ناقدان به طرح نکات انتقادی خود پرداختند. نخست، دکتر جهانگیر معینی علمداری، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، ضمن تأکید بر جنبه‌های نوآورانه و نظریه‌پردازانه «نخبه‌گرایی مشارکتی»، گفت: «با توجه به این که طرح دکتر مصلح در چارچوب بحث نخبه‌گرایی قرار دارد معلوم نیست که نسبت نخبه‌گرایی و دموکراسی چیست و کدام ذیل دیگری واقع می‌شود. نقد دیگر او این بود که در این طرح، گفتمان دموکراتیک، پیش فرض گرفته شده و آشکار نیست که تحقق آن تا چه حد ممکن است.

پس از دکتر معینی، دکتر عباسعلی رهبر، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، به بیان نکات انتقادی مورد نظر خود پرداخت. او تأکید بیش از حد بر مفهوم «نخبه» و نادیده گرفتن عواملی چون ساختار، شرایط و شیوه آموزش را نقطه ضعف طرح دانست. انتقاد دیگر دکتر رهبر این بود که تکلیف توده و نقش منافع معلوم نیست و روشن نشده است که آیا نخبه از بستر توده و فرهنگ توده شکل می‌گیرد یا خیر. نقد دیگر وی این بود که دکتر مصلح به چه استنادی تعریف خودش از گفتمان را در کتاب آورده و دیگر این که چرا به تخریب نظریه الیتسیم دموکراتیک پرداخته است. او عدم پایبندی به روش گفتمانی را نیز از نکات قابل انتقاد نخبه‌گرایی مشارکتی دانست.

دکتر داوود مهدوی‌زادگان، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در بیان نقد خود گفت: «مسئله طرح شده در کتاب نخبه‌گرایی مشارکتی، این مسئله انضمامی است که چگونه می‌شود مشکل توده و نخبه را حل کرد؛ اما پاسخ آن به طوری نظری و ذهنی داده شده است. به گفته او، در این کتاب مشخص نشده که نخبگی واقعی طبیعی یا اجتماعی است».

دکتر مهدوی‌زادگان از نقد منطقی طرح شده در نخبه‌گرایی مشارکتی درباره تعریف پارتو از الیت نیز انتقاد کرد و افزود: «اگر بنا بر فرض نخبه‌گرایی مشارکتی، نخبه الیت نباشد دیگر اساساً چرا الیتسیم مطرح شده است».

دکتر محمدجواد نوروزی از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم، نیز در جایگاه آخرین ناقد، از نقد دکتر مصلح به تعریف پارتو انتقاد کرد و شاخص «دستآورد» را برای تعریف نخبه شاخص خوبی دانست. او این پرسش را طرح کرد که نخبه را چه کسانی باید انتخاب کنند و نسبت توانایی و انتخاب چیست. نقد دیگر وی نیز این بود که در «نخبه‌گرایی مشارکتی» باید تأمل بیشتری درباره معضلات ساختاری بشود.

در ادامه جلسه، دکتر مصلح به نکات انتقادی طرح شده پاسخ داد. او در پاسخ نقد دکتر معینی گفت: «لازم است دوباره یادآوری کنم که نخبه‌گرایی مشارکتی بر اساس بازسازی مفهوم نخبه در گفتمان دموکراتیک طرح شده و با تعریف دموکراتیک از نخبگی، در محدوده نظریه‌های الیتستی قرار نمی‌گیرد».

وی افزود: «درست است که بر اساس واقعیت جهان امروز، وجود گفتمان دموکراتیک را پیش فرض گرفته



اما این به معنای پیش‌فرض گرفتن تحقق همهٔ آرمان‌های دموکراتیک نیست و نخبه‌گرایی مشارکتی نیز به منزلهٔ نظریه‌ای درون گفتمان دموکراتیک، کوششی در جهت تحقق ایدهٔ دموکراسی است.»

مصلح در پاسخ انتقاد دکتر رهبر گفت: «تأکید بر بحث مفهومی، دلیل بر نادیده گرفتن اهمیت ساختارها و آموزش نیست و در کتاب، از دیالکتیک عامل و ساختار و اهمیت آموزش برای رشد مشارکت مردمی در فرایند نخبه‌سازی دموکراتیک سخن به میان آمده است. در عین به کار گرفتن روش گفتمانی، آن جا که این روش را دچار کاستی دیده، کوشیده است با افزودن بحث «سنگواژه‌ها» و «ابهام گفتمانی»، آن کاستی‌ها را در جهت پردازش نظریهٔ خود برطرف کند.»

وی در پاسخ به انتقاد طرح شده دربارهٔ ارائه تعریف مستقل از گفتمان، آن را لازمه نظریه‌پردازی دانست و توضیح داد که تعریف خود را با توجه به آرای میشل فوکو، میشل پشو، امیل بنونیست و دیگر اندیشمندانی که نظراتشان در کتاب ذکر شده ارائه داده است. نقادی نظریه‌های رقیب و نشان دادن نقاط ضعف آنها بخشی از کار نظریه‌پردازی است و نقادی خود از نظریهٔ الیتسیم دموکراتیک را در همین راستا موجه دانست.

مصلح در پاسخ به نقد دکتر مهدوی‌زادگان، گفت: «پاسخ به مسئله انضمامی طرح شده در کتاب دارای دو وجه نظری و عملی است و بحث از مشارکت مردم در فرایند نخبه‌سازی، و طرح نظام موازنه مثبت آرا نشان دهندهٔ وجه عملی و انضمامی این پاسخ است.»

وی دربارهٔ طبیعی یا اجتماعی بودن نخبه نیز گفت

که نخبگی در عین این که مبنای طبیعی دارد و توانایی طبیعی، بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد اما انتخابی بودن نیز الزامی و امری اجتماعی است. مصلح در پاسخ به این نقد که چرا الیتسیم مطرح شده است نیز اظهار کرد که مسئله وجود بالفعل «نابرابری» و چگونگی مواجهه دموکراتیک با آن، مستلزم نقد الیتسیم است.

وی در دفاع از نقدش بر تعریف پارتو، در برابر انتقادهای دو ناقد، گفت: «پارتو فقط دستاورد بالفعل را ملاک قرار داده و تعریفش دچار ناسازگاری‌های درونی شده و به «فرایند» حصول دستاوردها توجه نکرده است؛ در حالی که آنچه برای تعریف نخبگی ضرورت دارد و در نخبه‌گرایی مشارکتی نیز مورد تأکید قرار گرفته، فرایند حصول دستاوردهاست. با توجه به این که با نقد نظریه گاسیت نشان داده است که معیار نخبگی نمی‌تواند درونی و مبتنی بر تشخیص خود فرد باشد، نخبه شدن باید از طریق انتخاب صورت گیرد که بر عهدهٔ مخاطبان هر حوزه از کنش انسانی، و در سیاست برعهده همهٔ مردم است.»

در انتها داوران جلسه (دکتر داود فیروزی از دانشگاه تهران، دکتر سید جلال درخشه از دانشگاه امام صادق، دکتر عباس منوچهری از دانشگاه تربیت مدرس، دکتر عبدالرحمن عالم از دانشگاه تهران) به همراه مدیر علمی جلسه (دکتر فتح الهی) و نمایندهٔ دبیرخانه هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی برای ارزیابی جلسه به مشورت پرداختند.



روند پژوهش‌های ارتباطی در ایران

ایران صورت گرفت. بعدها نیز در سال ۱۳۵۵ تحقیق دیگری سفارش داده شد که پروپوزال آن به وسیله یک مؤسسه پژوهشی آمریکایی تدوین شده بود. نتایج گزارش پژوهش آذرماه ۱۳۵۷ در یک کتاب ۱۷۹ صفحه‌ای به زبان فارسی و ۸۶ صفحه‌ای به زبان انگلیسی منتشر شد که امروز سرنوشت آن مشخص

نشست «روند پژوهش‌های ارتباطی در ایران» به مناسبت روز جهانی «ارتباطات و جامعه اطلاعاتی» با حضور مهدی محسنیان راد، سیدمحمد دادگران، حسینعلی افخمی، حسام‌الدین آشنا و حسین بصیریان جهرمی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



نیست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به تعداد دستیاران پژوهشی مرکز تحقیقات دانشکده علوم اجتماعی افزوده و طی تحقیقات سال ۵۹ تا ۶۰، پنج مجلد کتاب با شمارگان کم و با موضوعات ارتباطات انسانی منتشر شد.

وی ادامه داد: «در سال ۶۲ با حمایت دکتر برادران معاون فرهنگی آستان قدس، مرکز پژوهشی آستان قدس رضوی حمایت مادی گسترده‌ای را برای پژوهش درباره سفر ۵ قرن سیاحان به ایران به عمل آورد که جرقه آن با گفتگو با دکتر معتمدنژاد زده شده بود. این کتاب به نوعی به اثر اشغال سفارت آمریکا در ایران و نگرش جوامع غربی به ایران پس از این حادثه می‌پرداخت و نشان می‌داد که چگونه شکل‌گیری این نگرش به پیش از این واقعه و در سفرنامه‌های سیاحان درباره ایران برمی‌گردد».

این استاد ارتباطات در ادامه به انتشار تحقیق فوق محرمانه‌ای با عنوان نگرش خبرنگار اشاره کرد و افزود: «این گزارش به خوبی پیامدهای تخصص‌گرایی، خبرگزاری ایرنا را طی ۷ سال قبل از سال ۱۳۶۰ بررسی می‌کند. البته اکنون نسخه‌ای از این اثر وجود

در این نشست که روز شنبه ۲۸ اردیبهشت ۹۸ به میزبانی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار شد، در ابتدا حسین بصیریان جهرمی، دبیرنشست، ضمن خیر مقدم به استادان و حاضران در جلسه، اهمیت بازخوانی و واکاوی «روند پژوهش‌های ارتباطی در ایران» را مورد تأکید قرار داد و گفت: «بدون شک تجربیات زیسته استادان فرهیخته‌ای که هرکدام به فراخور تخصص، تبحر و توانمندی‌های پژوهشی و آموزشی خود در این نشست میزبان سخنان‌شان هستیم، از زمان تأسیس رشته علوم ارتباطات در ایران تاکنون، حاوی نکات ارزنده و مسئله‌مند است. بصیریان ابراز امیدواری کرد که فراهم آمدن فرصت‌هایی از این دست و تداوم گفتگو در باب پژوهش‌های ارتباطی، راهگشای دانشجویان جوان و علاقه‌مندان به علوم ارتباطات باشد».

پس از آن، مهدی محسنیان‌راد به عنوان اولین سخنران، گزارشی از پژوهش‌های ارتباطی در ایران از پیش از انقلاب اسلامی تا کنون ارائه کرد و گفت: «زمانی که سازمان پیش‌آهنگی ایران تأسیس شد تحقیقی درباره بررسی محتوای برنامه‌های رادیویی

ندارد و تنها یک نسخه در دسترس من است. در اواخر جنگ ایران و عراق نیز به دلیل حکمی که برای یکی از مجریان رادیو صادر شده بود با همت دانشگاه‌های امام صادق (ع) و علامه طباطبایی طرح «مطالعه پدیده اوشینیسیم در ایران» نیز کلید خورد.

به گفته محسنیان راد، یک سال پس از جنگ ما دچار قطع ارتباطات میان فرهنگی شدیم و درست در همین زمان کتاب "نگرش سیاح" با تمرکز بر ارتباطات میان فرهنگی به بررسی این موضوع پرداخت. در سال ۱۳۷۱ نیز که دومین سالگرد تأسیس مرکز تحقیقات رسانه‌ها برگزار می‌شد، پژوهش پیام‌آفرینان مطبوعات ایران با تعیین خط‌مشی از سوی کاظم معتمدنژاد انجام گرفت و نشان داد که چگونه ۹۴ درصد از فارغ‌التحصیلان رشته ارتباطات بیکارند و جای آن‌ها را در روزنامه‌ها و رسانه‌ها، متخصصان رشته‌های دیگر اشغال کرده‌اند. این استاد دانشگاه درباره دو تحقیق روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری و کتاب «فهرستگان ارتباطات» توضیحاتی داد و گفت: «کتاب «فهرستگان ارتباطات» تمامی منابع این حوزه را از زمان رضاشاه تاکنون دوره می‌کند اما در سال ۱۳۷۶ من تحقیق را با عنوان ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی برای تدریس در دوره دکتری تالیف کردم که متأسفانه به چاپ نرسید. بعدها طی سه دوره در سال‌های ۷۴، ۷۹ و ۸۳ به فاصله ۱۵ سال تحقیق انتقاد در مطبوعات ایران را انجام دادم و نشان دادم که چگونه در ایران نقد کردن، تنها نق زدن است».

وی با اشاره به تحقیقات صورت گرفته روی موضوع افکار عمومی در سال‌های ۷۶ تا ۸۱ عنوان کرد: «از نیمه دوم سال ۸۴ نزدیک به چهل سال تحقیقات من در این حوزه به دلیل نبود "اخلاق حرفه‌ای مصرف پژوهش" پایان یافت چرا که عملاً جامعه ایران را محل آزمون و خطاهای مکرر و گوناگون در باب نیازهای رسانه‌ای جامعه، رسالت، کارکرد، کاربرد رسانه‌ها و ساختار آن قرار داده بود. متأسفانه تحقیقات در ایران درست مصرف نمی‌شود یعنی نتایج آن با ایدئولوژی آمیخته شده و در نتیجه تحریف نتایج در راستای منافع جناحی، شخصی و حزبی را به دنبال دارد».

محسنیان راد در بخش پایانی سخنانش با بیان اینکه لازم است زبان حرفه‌ای مشترک بین مصرف‌کننده تحقیق و محقق به وجود آید، گفت: «از دهه ۸۰ به بعد تحقیقات کاربردی در این حوزه را قبول نکردم و طی این مدت توانستم کتاب «ایران در چهار کهکشان ارتباطی» و «ارتباط‌شناسی ۲» را منتشر کنم. کتاب هزار و پانصد صفحه‌ای «رسانه‌شناسی» که نسخه اصلی آن در سال ۲۰۱۶ به چاپ رسیده است پس از ۵ سال از سوی انتشارات سازمان سمت به چاپ خواهد رسید».

در ادامه نشست سیدمحمد دادگران نیز نگاهی تاریخی به پژوهش‌های پیمایشی داشت و با اشاره به تحقیقات

و نظرسنجی‌های انجام شده در مرکز تحقیقات صدا و سیما در دوره ریاست مرتضی کتبی گفت: «یکی از مهم‌ترین مشکلات پژوهش‌های ارتباط، انتخاب حجم نمونه قابل تعمیم است. همچنین تعیین اعتبار منبع یکی دیگر از مشکلاتی است که اکثر پژوهش‌های ما به آن دچار هستند. به طور مثال نظرسنجی در دوره جنگ اقتضائات خاص خود را داشت و شرایط آن زمان ممکن بود باعث شود مردم جواب‌های صادقانه‌ای به نظرسنجی‌ها ندهند. دادگران همچنین به دو پژوهش «نظرخواهی پیرامون نظرات مردم در نخستین گام‌های پیروزمند انقلاب اسلامی ایران» در ماه‌های نخست انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و پژوهشی که به سفارش نخست‌وزیری در سال‌های آغاز جنگ تحمیلی در خصوص شیوه مصرف کالاها و خوراک و پوشاک مردم انجام شد، اشاره کرد و یادآور شد که پژوهش اخیر منجر به مدیریت کالاها از طریق اختصاص کوپن (کالابرج) به مردم در آن دوران شد».

این استاد ارتباطات در ادامه به تأسیس رشته ارتباطات در دانشگاه آزاد اسلامی اشاره کرد و گفت: «همزمان با راه‌اندازی این رشته در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر علی اکبر فرهنگی نیز آن را در دوره دکترای راه‌اندازی کرد. دادگران به تجربه‌های خود در قبل و بعد از انقلاب اسلامی در مرکز تحقیقات صدا و سیما به دلایل محافظه‌کاری، عدم اعتماد و بی‌پاسخی مردم در مواجهه با پرسشنامه‌هایی که بین آنها توزیع شده بود اشاره کرد. او در پایان از خواننده نشدن و کم‌توجهی نسبت به گزارش‌های پژوهشی از سوی برخی مدیران و سیاست‌گذاران، انتقاد کرد».

حسینعلی افخمی در ادامه این نشست با بیان اینکه ما محققان خوبی نیستیم و بیشتر متخصص دستگاهیم گفت: «این یکی از اصلی‌ترین موانع تحقیقات ارتباطی در ایران است از زمانی که مرکز تحقیقات رسانه بیش از ۱۱۰ شماره از مجله رسانه را به چاپ رسانده، هنوز هم یک شماره از آن نشان نمی‌دهد چرا مطبوعات ما به بیراهه می‌رود. ما اکنون با بحران مطبوعات در ایران روبرو هستیم و این در حالی است که تیراژ مطبوعات در ترکیه و پاکستان بیش از ۶ میلیون است. تیراژ روزنامه در ایران به زیر ۵۰۰ نسخه رسیده است و با این حال، افتخار می‌کنیم بالای صد روزنامه در روز داریم! اما خواننده کجاست و ۱۲ میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی به‌عنوان مخاطب بالقوه کجا هستند».

وی ادامه داد: «برخی حضور شبکه‌های مجازی را علت این موضوع می‌دانند، درحالی‌که ژاپن پیش از ظهور این شبکه‌ها ۶۰ میلیون تیراژ داشت و هنوز هم این تیراژ را حفظ کرده است اما ما فاصله بسیار زیادی با نقطه مطلوب در این حوزه داریم چرا که تحقیقات علوم انسانی در کشور ما جایی ندارد».

افخمی در بخش پایانی سخنانش کشورها را به دو بخش



کشورهایی که صاحب دموکراسی، پارلمان و حزب هستند و کشورهایی که پارلمان، حزب و دموکراسی ندارند، تقسیم کرد و گفت: «جامعه تک‌صدایی نمی‌تواند تحقیق کند چون جامعه بدون حزب نمی‌تواند روزنامه داشته باشد. از سوی دیگر مطالعات تاریخی در ارتباطات عقب‌مانده و مغفول است در حالی که با مطالعه ۴۰۰ سال تاریخ مطبوعات در غرب می‌بینیم که آن‌ها چگونه روند درستی را در این موضوع طی کرده‌اند و از مطبوعات حزبی، تجاری بعدها پس از جنگ جهانی دوم به مطبوعات مستقلی رسیدند که اکنون نیازی به حزب، وابستگی دولت و پول آگهی‌های تبلیغاتی ندارند».

آخرین سخنران این نشست، حسام‌الدین آشنا، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، در نقد شرایط آموزشی و پژوهشی علوم ارتباطات در کشور به چند گزاره اشاره کرد و یادآور شد: «رشته ارتباطات هنوز هم در ایران، به رغم کثرت دانشجویان، دانشکده‌ها و اعضای هیأت علمی و مدرسان، یک رشته توسعه‌نیافته تلقی می‌شود که توسعه طبیعی خود را پیدا نکرده است. همچنین ارتباط این رشته، با دانش و پژوهش‌های بین‌المللی از حیث مبادله استاد و دانشجو و پژوهش‌ها و مقاله‌های مشترک، بسیار اندک است. بر این اساس ما با یک رشته ارتباطات بوم زده و نه بومی و البته منزوی روبه‌رو هستیم، که نه تنها کاربرد جهانی ندارد، بلکه در داخل کشور نیز، کم مصرف به شمار می‌آید».

این استاد ارتباطات با اشاره به ضعف رشته علوم ارتباطات در ایران از منظر تاریخی و ساختاری، تأکید کرد: «چطور است که ما رشته ارتباطات داریم، اما درس‌های مهمی همچون ارتباطات میان فردی، ارتباطات کلامی، ارتباطات غیرکلامی، ارتباطات گروهی، مهارت‌های رهبری، ارتباطات دینی، ارتباطات هنری، ارتباطات چندرسانه‌ای، ارتباطات تجاری، ارتباطات آموزشی و ارتباطات سلامت در آن تدریس نمی‌شود و طبیعتاً پژوهش نیز در آن به تناسب انجام نمی‌شود؟

دلیلش آن است که ما رشته روزنامه‌نگاری را به ارتباطات تبدیل کرده‌ایم. افزون بر این، در حوزه مدیریت، فرهنگ، سیاست‌گذاری، تاریخ و اخلاق ارتباطات نیز جز چند اثر معدود و محدود، چندان پژوهش عمیق و جدی انجام نداده‌ایم». آشنا در ادامه با اشاره به ناهمخوانی پژوهش و آموزش علوم ارتباطات، اظهار داشت: «ما مجموعه‌ای از پژوهش‌های بدون آموزش و آموزش‌های بدون پژوهش را کنار همدیگر جمع کرده‌ایم. از این رو پژوهشگران فراوانی داریم که به خوبی

آموزش ندیده‌اند و با آموزش‌ها و درس‌هایی مواجهیم، که مبتنی بر پژوهش تولید نشده‌اند. لذا شاهد آن هستیم که عناوین دروس را اقتباس کرده‌ایم، ولی از محتوای لازم بی‌بهره مانده‌ایم».

آشنا بین پژوهش‌های سفارشی و سفارش‌هایی که از ذهن پرسشگر و دغدغه‌مند پژوهشگر برآمده است، تمایز قائل شد و تأکید کرد: «بین پژوهش سفارشی و پژوهشی که پژوهشگر خودش آن را به یک سازمان دولتی پیشنهاد می‌کند و سازمان را برای انجام آن قانع می‌کند، تفاوت عمده‌ای وجود دارد؛ از این رو، پژوهش‌هایی که پژوهشگر خود به دنبال انجام آن است، اگر چه به یک معنا منجر به لذت پژوهشی، رضایت درونی، افزایش دانش و تولید علم می‌شود؛ اما نتیجه آن تغییر سیاست نیست؛ چراکه سفارش‌دهنده نیز لزوماً به دنبال سیاست‌گذاری در آن مورد نیست». رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در ادامه تأکید کرد: «ما پژوهش را در چرخه سیاست‌گذاری، تعریف نکرده‌ایم و به همین خاطر پژوهش‌های ما، نتایج سیاست‌گذارانه ندارد. سیاستگذار با خود فکر می‌کند اگر بتواند بدون پژوهش سیاست‌گذاری کند، چرا باید هزینه‌ای برای پژوهش مصرف کند؟ ولو اینکه سیاست‌گذارانه‌ترین پژوهش نیز انجام شود، اگر سیاستگذار بتواند آن را نادیده بگیرد، دلیلی ندارد به نتایج آن ملتزم شود».

آشنا در پایان از روندهایی که منجر به محرمانه ساختن برخی پژوهش‌ها و نظرسنجی‌ها در کشور شده است انتقاد کرد و یادآور شد: «اینکه نظرسنجی یا پژوهش را محرمانه کنیم یعنی چه؟ یعنی فلان مسئول بداند نظر مردم چیست، ولی مردم ندانند که نظر مردم چیست! این جزء ابداعات برخی مسئولان است! اگر ما به جایی رسیدیم که مثلاً در بازه نزدیک به برگزاری انتخابات، برخی نظرسنجی‌ها را به صورت جهت‌دار اعلام کنیم، با نظرسنجی به مثابه تبلیغات مواجه خواهیم شد».



سیل فروردین ماه و پیامدهای آن: رسانه‌ها، جامعه و کنشگری در بحران

باعث شد تا تلفات جانی کاهش پیدا کند». پیشنهادی با بیان اینکه براساس تئوری‌های موجود یک رابطه تعاملی بین بحران، جامعه و رسانه وجود دارد عنوان کرد: «این سه بر هم تاثیر می‌گذارند و همینطور از هم تاثیر می‌پذیرند. من در اینجا می‌خواهم به تعاملات بحران و رسانه بپردازم. وقتی ما در شرایط بحرانی قرار می‌گیریم توازن رسانه برهم می‌خورد



یعنی به لحاظ دروازه بانی و انتخاب خبر، تعداد اخبار مربوط به بحران به طرز چشم‌گیری بالا می‌رود. یا ابعاد آموزشی و اطلاع‌رسانی موضوع بحران در رسانه تعدد و تکثر زیادی پیدا می‌کند. از طرف دیگر رسانه در تأثیرش بر روی بحران می‌تواند مانند تیغ دولبه عمل کند. رسانه هم می‌تواند با عملکرد صحیحش باعث مدیریت بحران و کاهش دامنه بحران شود و از سوی دیگر می‌تواند با عملکرد ناصحیح خودش دامنه بحران را گسترش دهد. برای مثال در سال ۹۱ زلزله اهر و ورزقان رخداد و به واسطه ضعف در اطلاع‌رسانی رسانه ملی باعث شد رسانه‌های رقیب گوی سبقت را برابند و با جهت‌گیری سیاسی و پخش شایعه نزدیک بود یک بحران سیاسی از دل بحران طبیعی به وجود بیاید که خوشبختانه مدیریت شد».

این پژوهشگر حوزه بحران در ادامه به نقش و عملکرد رسانه‌ها در مراحل مختلف بحران پرداخت و گفت: «رسانه حلقه واسطی بین مدیران بحران، دست‌اندرکاران مدیریت بحران و جامعه است. آموزش و فرهنگ‌سازی هم که جزو وظایف رسانه است باید پیش از وقوع بحران شروع شود و ادامه پیدا کند. اینکه رسانه بتواند نسبت به مخاطراتی حساس شود که پتانسیل تبدیل شدن به بحران را دارند، خیلی مهم است. هماهنگ کردن عملیات امداد و نجات در فاز

نشست «رسانه‌ها، جامعه و کنشگری در بحران» با حضور گیتی خزاعی، پژوهشگر جامعه‌شناسی تغییرات اقلیمی و پروانه پیشنهادی، پژوهشگر روزنامه‌نگاری بحران و سایر متخصصان و پژوهشگران و کارشناسان و دانشجویان در یکشنبه هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای نشست پروانه پیشنهادی، پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله گفت: «متأسفانه براساس اعلام سازمان ملل متحد، کشوری هستیم که در طی ۳۰ سال گذشته همواره جزو ۱۰ کشور حادثه‌خیز و بحرانی در دنیا شناخته شده‌ایم. یعنی در طی ۳۰ سال گذشته یکی از رتبه‌های یک تا ۱۰ را کسب کرده‌ایم. این مسئله نشان‌دهنده این است که کشور ما به انواع مخاطرات-انسان ساخت یا طبیعی- مواجهه است. همین سازمان اعلام کرده است که از مجموع ۴۰ نوع بلای شناخته شده در جهان تا به حال ایران ۳۲ نوع بلا را تجربه کرده یا در حال تجربه است. براساس آماری که دادند آسیب وارده از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ حدود ۱۵ میلیارد دلار بوده است».

پیشنهادی با بیان اینکه در کل دنیا از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد نسبت به بحران‌ها یک تغییر نگرش داشتیم گفت: «تا قبل از دهه ۹۰ میلادی نگاه به بحران‌ها و مدیریت کردنشان بیشتر جنبه سخت‌افزاری بود و بیشتر به نکات فنی و مهندسی برای مدیریت بحران توجه می‌شد. اما از دهه ۹۰ به بعد به‌ویژه بعد از زلزله ۱۹۹۵ ژاپن به‌واسطه اشتباه‌ها و خطاهای انسانی که در بخش عملیات امداد و نجات رخ داد کشورهای توسعه یافته به ویژه ژاپن به این نتیجه رسیدند که نگاهمان به مدیریت بحران باید از سخت‌افزاری و فنی مهندسی صرف به سمت علوم اجتماعی و علوم انسانی تغییر جهت دهد و حالت نرم‌افزاری پیدا کند. همین مسئله نقطه عطفی شد تا رسانه‌ها را به عنوان یکی از ارکان اصلی در بدنه مدیریت بحران بشناسند».

وی افزود: «همین تغییر رویکرد به‌واسطه نگاه نرم‌افزاری و اطلاع‌رسانی درست و به موقع باعث شد تا جان میلیون‌ها نفر در سونامی ژاپن حفظ شود و تلفات انسانی به مقدار زیادی کاهش پیدا کند. شبکه (NHK) ژاپن تنها شبکه‌ای است که به سیستم هشدار دهنده سریع حوادث طبیعی مجهز است و این باعث شد تا بعد از سه دقیقه از وقوع سونامی، هشدار تخلیه در هشت شبکه رادیویی و تلویزیونی داده شود و سواحل در معرض خطر سونامی، تخلیه شوند و این مسئله



بحران هم یکی از کارکردهای رسانه است. کارکرد دیگر رسانه جلب مشارکت عمومی در بحران است. مسئله بعدی پیگیری و نظارت است که رسانه‌ها باید پس از بحران به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. در مرحله حین وقوع بحران، رسانه‌ها باید به اطلاع‌رسانی جامع، دقیق و صحیح از بحران توجه ویژه‌ای داشته باشند. همچنین باید از بزرگنمایی بحران پرهیز کنند و سعی کنند فضا را به سمت آرام کردن جامعه پیش ببرند. از طرفی هم با توجه به گسترش فضای مجازی بحث فیک نیوزها

و مدیریت شایعات اهمیت بیشتری پیدا کرده است که در مرحله بعد از وقوع بحران هم جزو وظایف اصلی رسانه‌هاست».

پیشنمازی با اشاره به بحرانی که در روزهای اخیر در کشور به وجود آمد، گفت: «بحران سیل یکی از بحران‌هایی بود که در طول تاریخ در کشورمان با آن مواجه بوده‌ایم. اگر بخواهیم به شکل موردی بر روی سیل فروردین ماه امسال بحث کنیم باید بگویم اولین سامانه سیلابی کشور در ۲۶ اسفند ۹۷ در استان گلستان شروع شد و در نهایت چندین استان را به شکل جدی درگیر خود کرد. در کل ۲۶

استان کشور درگیر بحران سیل بودند که جدی‌ترین آن را در گلستان، خوزستان، فارس و لرستان داشتیم. تا روز ۱۶ فروردین ۷۶ نفر تلفات انسانی داشتیم و حدود ۴ میلیارد دلار خسارت مالی به کشور وارد شد. ما در سال ۹۵ هم سیلی مشابه در استان خوزستان داشتیم که خسارت زیادی به بخش کشاورزی وارد کرده بود. وی در ادامه به عملکرد روزنامه‌ها در بحران اخیر اشاره کرد و گفت: «مهم‌ترین رسانه‌هایی که انتظار داشتیم در این بحران به کار اطلاع‌رسانی بپردازند، مطبوعات بودند. طبق آمار وزارت ارشاد حدود ۱۷۰ روزنامه در کشور داریم که در مجموع تیراژشان به ۸۰۰ هزار نسخه می‌رسد. این ۱۷۰ روزنامه تا ۱۸ فروردین تعطیل بودند و واکنش‌شان نسبت به سیل انفعالی بود. به غیر از روزنامه ایران و شهروند که در ایام عید نسخه الکترونیکی‌شان چاپ می‌شد سایر روزنامه‌ها هیچ واکنشی نسبت به سیل از خود بروز ندادند در حالی که می‌توانستند با چاپ ویژه‌نامه‌ها به این مسئله بپردازند».

وی با اشاره به عملکرد رسانه ملی در اطلاع‌رسانی بحران سیل گفت: «سرعت اطلاع‌رسانی بحران سیل در رسانه ملی خوب بود. صداوسیما در مجموع در طول روز ۱۵۰ ساعت خبر پخش می‌کند که از ۲۶ اسفند ۹۷ تا ۱۶ فروردین ۹۸ روزانه حدود ۷۰ ساعت را به سیل

اختصاص داد. به عبارتی تقریباً نیمی از اخبار ما در رسانه ملی به سیل اختصاص داشت. از دیگر اقدامات خوب رسانه ملی اعزام خبرنگاران به محل سیل برای تهیه گزارش و استفاده از ظرفیت رسانه‌های محلی نسبت به بحران‌های قبلی بود. البته صداوسیما دارای ضعف‌هایی هم بود که می‌توان به مواردی چون عقب ماندن از شبکه‌های اجتماعی، عدم مدیریت شایعات و فیک نیوزها، گفتمان احساسی در مواجهه با بحران‌ها و فاصله داشتن با گفتمان منطقی، عدم

تغییر فرم برنامه‌های خبری و مشابه بودن آن با زمان‌های دیگر، پخش گزارش‌های اغراق‌گونه، نمایشی و بعضاً جهت‌دار اشاره کرد».

پیشنمازی به عملکرد خبرگزاری‌ها اشاره کرد و گفت: «بزرگ‌ترین نقطه قوت خبرگزاری‌ها استفاده از بخش اینفوگرافی و اینفوگرافیک‌های خبررسان بود. عدم سازماندهی زمان از ضعف‌های خبرگزاری‌های ما بود. خبرگزاری‌هایی مثل ایسنا و فارس به واسطه جهت‌گیری سیاسی‌شان در حین بحران انتقاداتی را به سازمان‌های درگیر در حال بحران کردند. می‌دانید بارها به این نکته تاکید شده که انتقاد

در فاز بعد از بحران باید صورت بگیرد و انتقاد در زمان بحران مخرب است».

وی با اشاره به نقش شبکه‌های اجتماعی در اطلاع‌رسانی سیل گفت: «در حال حاضر رسانه منتخب مردم رسانه‌های مبتنی بر وب یا موبایلی هستند. اگرچه رسانه‌های موبایلی دارای خاصیت سرعت اطلاع‌رسانی بالا، تعاملی بودن و جلب مشارکت مردم هستند ولی بزرگ‌ترین مسئله‌ای که در همین بحران سیل وجود داشت گسترش شایعات و فیک نیوزها بود. رسانه‌های رسمی باید از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند، درحالی که فیلترینگ مانع این امر شده است.

سپس گیتی خزاعی، پژوهشگر مرکز تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، به واکاوی نقش رسانه در حوادث طبیعی با تأکید بر کنشگری خلاق و عقلانی پرداخت و گفت: «من بحثم را در چهار محور ارائه خواهم کرد. اول اینکه عناصر کنشگری خلاق و عقلانی رسانه در حوادث طبیعی کدام‌ها هستند و رسانه در مواقع بحران باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا بگوییم کنشگری خلاق و عقلانی داشته است. دوم؛ چالش‌های پیشروی رسانه برای جلوگیری از کنشگری خلاق چیست. سوم؛ رسانه‌ها در حوادث اخیر چگونه عمل کردند و در بخش آخر هم می‌خواهم به این

به غیر از روزنامه ایران و شهروند که در ایام عید نسخه الکترونیکی‌شان چاپ می‌شد، سایر روزنامه‌ها هیچ واکنشی نسبت به سیل از خود بروز ندادند؛ درحالی که می‌توانستند با چاپ ویژه‌نامه‌ها به این مسئله بپردازند.

اشاره کنم که باید چه کار کنیم تا این رسانه کنشگر و خلاق را توسعه دهیم».

وی با اشاره به محور اول صحبت‌هایش گفت: «با وقوع هر حادثه طبیعی رسانه‌ها به مهم‌ترین ابزار اطلاع‌رسانی برای رخ داد تبدیل می‌شوند. از طرفی هم وظیفه هشدار، اطلاع‌رسانی و آمادگی بر عهده رسانه است. رسانه‌ها قبل از وقوع بحران هم وظیفه اطلاع‌رسانی پیشگیرانه دارند. وقتی بحران فروکش می‌کند توجه رسانه‌ها به بحران هم

از بین می‌رود. وقتی چند پژوهشگر بر روی بحرانی بحث می‌کنند دوباره رسانه‌ها توجهشان جلب می‌شود و تراکمی صورت می‌گیرد و می‌خواهند به این موضوع بپردازند».

خزاعی به مراحل چرخه مدیریت بحران اشاره کرد و گفت: «پیش‌بینی، مقابله کردن، امداد رسانی و بازتوانی چهار مرحله مدیریت بحران است و رسانه کنشگر خلاق باید در هر چهار مرحله فعالیت خود را نشان دهد و به طور دائم کنشگری فعال داشته باشد. به همین دلیل باید به چند مسئله توجه شود. اول اینکه رسانه باید در

بحران قابلیت دانش‌پردازی و دانش‌ورزی داشته باشد و میانجی دانشمندان و متخصصان با مردم باشد و بتواند دانش تخصصی را عامی‌سازی کند. ویژگی دیگر رسانه خلاق این است که بتواند بحران را به عنوان مسئله اجتماعی برساخت کند. یعنی حساسیت مردم را نسبت به آن ایجاد کند. این رسانه‌ها بودند که پدیده تغییر اقلیم را به مسئله جهانی تبدیل کردند. اگرچه رسانه دانش تخصصی تغییر اقلیم را تولید نکرد ولی با استفاده از دانش تخصصی تولید شده توسط دانشمندان توانست مسئله تغییر اقلیم را به عنوان یک مسئله اجتماعی و جهانی به مردم معرفی کند».

وی ادامه داد: «تخصص‌گرایی رسانه در حوزه بحران و استفاده از متخصصان رسانه‌ای از دیگر ویژگی‌های رسانه خلاق است تا بتواند در حوزه بحران گفتمان‌سازی کند. وقتی رسانه‌ها می‌خواهند وارد حوزه‌های تخصصی شوند باید تمرین کنند، یاد بگیرند و این حساسیت را داشته باشند تا گروه‌های تخصصی رسانه‌ای خود را داشته باشند. در طی سال‌های اخیر در حوزه تغییر اقلیم تقریباً این اتفاق افتاده است ولی در سایر حوزه‌ها این مسئله کمرنگ‌تر است».

این پژوهشگر مرکز تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران افزود: «یکی دیگر از نقش‌هایی که در حوزه مدیریت بحران برای رسانه‌ها در نظر گرفته‌م بحث مطالبه‌گری است. به عبارتی رسانه نه تنها میانجی بین متخصصین و مردم است بلکه میانجی بین مردم

و دولتمردان هم است. بنابراین رسانه یکی از ابزارهای قدرتمند کنشگری مدنی در زمینه حوادث طبیعی است. مسئله بعدی بحث خردورزی رسانه‌ای در مواجهه با بحران است. به‌طور طبیعی بحران‌ها و حوادث طبیعی با هیجان و هراس آمیخته است و رسانه‌ها باید این هیجان را تعدیل کنند و به آن دامن نزنند از طرفی بحث تقدیرگرایی در جامعه ما بحثی جدی و مهم است. رویکرد رسانه‌ها در مواقع بحرانی باید نفی تقدیرگرایی باشد و گفتگوهایشان را به‌گونه‌ای مطرح کنند که بیشتر توصیه به عقلانیت و تلاش برای گسترش آن باشد».

وی به چالش‌های پیش روی رسانه‌ها جهت شکل‌گیری کنشگری خلاق اشاره کرد و گفت: «یکی از این چالش‌ها کم‌رmqی جامعه مدنی است. مقاومتی که در مقابل توسعه جامعه مدنی وجود دارد باعث تضعیف عملکرد رسانه می‌شود، چون جامعه مدنی و رسانه از هم جدا نیستند. به عبارتی وقتی جامعه مدنی کنشگر نباشد رسانه هم نمی‌تواند آن کنشگری را داشته باشد. چالش دوم؛ رویکرد امنیتی به فضای رسانه‌ای است. هرچقدر این رویکرد امنیتی قوی‌تر باشد کنشگری رسانه کمتر می‌شود چون رسانه‌ها از ترس امنیتی شدن ترجیح می‌دهند موضوعات کم‌خطرتر و بی‌حاشیه‌تر کار کنند. بنابراین رویکرد امنیتی به رسانه‌ها ضربه می‌زند و مانع کنشگری خلاقشان می‌شود. تضعیف رسانه‌های رسمی هم از جمله چالش‌های شکل‌گیری کنشگری خلاق رسانه‌ها به شمار می‌رود. انتشار اطلاعات علمی و دقیق یکی از مباحث اصلی در توسعه کنشگری خلاق رسانه‌ای است. هرچه در مقابل فعالیت آزاد رسانه‌ای مقاومت کنیم نه تنها جلوی فیک نیوزها را نمی‌گیریم بلکه مرجعیت رسانه را مخدوش می‌کنیم و باعث می‌شویم جلوی انتشار اخبار دقیق و علمی گرفته شود».

وی در پایان سخنان خود به بیان توصیه‌هایی جهت توسعه رسانه کنشگر و خلاق در مواجهه با بحران پرداخت و گفت: «باید جامعه مدنی را تقویت کنیم و فضای باز اطلاعاتی ایجاد کنیم. از طرفی برای اینکه اعتماد به رسانه را افزایش دهیم باید رویکرد امنیتی به رسانه را حذف کنیم. رسانه هم باید به طور مداوم خودکاو داشته باشد و این رویکرد علمی و فنی خود را به طور مداوم رصد کند و در مقابل دانش فروتنی داشته باشد».

در حال حاضر رسانه منتخب مردم رسانه‌های مبتنی بر وب یا موبایلی هستند. رسانه‌های رسمی باید از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند.



چرا ایران، یک ایده است و ایده بودن آن به چه معنا است؟

دوره‌ای متناسب با آن دوره تعیین خود را پیدا می‌کند. پیام دارد و بار معنایی را منتقل می‌کند. حرف می‌زند و بهانه‌ای برای حرف زدن است. ایده یک امر تاریخی و یک تخیل اجتماعی و تاریخی است. کلمه ایده در مواردی چون دانشگاه- شهروندی- مشروطیت یا قانون اساسی- آزادی و آزادی‌های مدنی - دولت نهادی، مقتدر، رفاه، پاسخگو، قانونی، مدرن

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی در ادامه سلسله نشست‌های «مسأله و ایده ایران» روز نهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ یک سخنرانی با عنوان «چرا ایران یک ایده است؟» برگزار کرد که دکتر محمدعلی فتح‌اللهی، رئیس پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل نظرات و دیدگاه‌های خود در رابطه با موضوع مطرح شده را به شرح زیر مطرح کرد:



و...- عدالت و جنگ عادلانه- پیشرفت- و... به کار رفته است. اما در مورد کشورها، کشوری جز ایران را سراغ نداریم که به عنوان ایده ذکر شود. اروپا که به عنوان یک ایده مطرح است؛ کشورهای متعددی را زیر چتر خود در بر می‌گیرد که در پی نایل شدن به آن می‌باشند. از این جهت ایران فرهنگی هم مثل اروپا است که کشورهای زیادی را در این منطقه در بر می‌گیرد. اما لفظ ایران که نام کشور مشخصی هست؛ می‌تواند ایده باشد که باید به آن نایل شد. در این صورت نسبت کشورهای دیگر با این ایده، چگونه خواهد بود. لازمه ایده بودن ایران آن است که آن را به عنوان حقیقت و جوهر حال و گذشته در نظر بگیریم که در آینده ظاهر خواهد شد. آن چیزی که اکنون را هم جهت می‌دهد، به سمت خود می‌کشد. درکی فلسفی از آن را اراده بدهیم که قابلیت انضمامی بودن را داشته باشد.

آیا ایران صرفاً مجموعه شهرها و روستاها است. این مجتمع‌های شهری و روستایی چه خصوصیاتی دارند. مهم‌ترین ویژگی آن است که شهر در ایران، خود

از ایده ایران سخن گفته می‌شود، همچنانکه از ایران فرهنگی هم سخن گفته می‌شود. آیا ایران یک فرهنگ و ایده است. چگونه یک جغرافیای خاص می‌تواند ایده باشد.

سابقه اصطلاح ایده به یونان باستان باز می‌گردد که به معنای دیدن و مشاهده کردن است. ایده، حقیقت و جوهری است که در آینده دیده می‌شود و ظاهر می‌گردد. این نیست که بر اساس گذشته ساخته شود؛ بلکه حقیقت گذشته است که ظاهر می‌شود. آینده‌ای است که گذشته و حال را به سمت خود می‌کشد و آنها را معنی می‌کند. افق و آرمانی را برای حرکت و دیدن آن تداعی می‌کند و انتظار آینده، طلب و اراده را به وجود می‌آورد. ایده نوعی موتور تفکر و یک حرکت و تفکری است که به عمل می‌انجامد و در مورد پدیده‌های فلسفی و آرمان‌های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود. ایده عبارت از ایمانی است که در عین عقلانی بودن، انضمامی و فعلی است. ایده، فضای ذهنی، تاریخی و اجتماعی را شکل می‌دهد و به نوعی در بستر تاریخ، تولید و بازتولید شده و در هر

باعث شده است که به کار رفتن لفظ ایران برای این سرزمین تدریجی باشد. توجه به ایران و درک از آن در طول تاریخ، تحول پیدا می‌کند. حتی در دوره پهلوی اول بود که به‌طور رسمی به همه کشورهای اعلام می‌شود که صرفاً از نام ایران استفاده کنند.

به‌طور ویژه در قرن هفتم است که لفظ «ایران» در کتاب‌های تاریخی و اسناد رسمی کاربرد پیدا می‌کند و ایران زمین، دارای حدود سرزمینی می‌شود. برای اولین بار در کتاب‌های تاریخی اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است که می‌توان از به‌کارگیری لفظ ایران و ایران زمین، برای حدود سرزمینی ایران سراغ گرفت. قبل از آن، این لفظ و اسم در کتب و اسناد تاریخی بکار نمی‌رفت و مملکت‌ها به اسم سلسله‌ها خوانده می‌شد. با رفت و آمد هر سلسله‌ای، مملکت آن سلسله هم از بین می‌رفت. حدود و ثغور مملکت‌ها به تناسب اقتدار سلسله‌ها تغییر می‌کرد و هیچ هویت سرزمینی مستقل از سلسله‌های حاکم وجود نداشت. ولی پس از قرن هفتم و با تحقق عرصه‌های گوناگون هویتی در جامعه و احساس سنگینی که از حضور آن بوجود آمد، نیاز به کاربرد اسم و لفظ ایران جدی شد. بلوغ سیاسی و اجتماعی و تولد دوباره‌ای که صورت گرفته بود؛ کاربرد لفظ ایران را ایجاب نمود. نامگذاری ایران، حالت عادی نداشت، بلکه در یک فرایند تاریخی و متناسب با شرایط مورد توجه قرار گرفته است. زمان‌هایی هم مورد بی‌توجهی بوده است. تدریجی بودن برقراری ارتباط با یک نام و توجه به آن، ایده بودن آن را نشان می‌دهد. توجه به ایران غیر از لفظ ایران است.

آن چیزی که از این توجه تدریجی پشتیبانی می‌کند؛ عبارت از عمومی بودن روشن‌فکری و نخبگی در جامعه ایرانی است. معمولاً نخبگان جدا از مردم، اسمی را انتخاب می‌کنند و عامه مردم هم خود را با آن

سامان، خود بسنده و به تعبیری مکتفی بالذات نیست و خودش نمی‌تواند نیازهای خود را برطرف کند. در ارتباط با روستاهای اطراف و حتی در کنار شهرهای دیگر معنی پیدا می‌کند. این وضعیت را در قبل از اسلام و پس از آن شاهد هستیم که عمدتاً باید جغرافیای سیاسی و فرهنگی را عامل آن دانست. همین وضعیت باعث پیدا شدن یک نظام مناسباتی می‌شود که به تدریج می‌توانیم از آن به کشور نام ببریم. این کشور با شهرها و روستاهایش، کل واحدی را تشکیل می‌دهد و سامان می‌یابد. کشور عبارت از یک نظام مناسباتی که باطن مدینه است؛ نه اینکه صرفاً مجموعه شهرها و روستاها باشد. ایران در سطح کشور است که می‌تواند خود سامانی و خود بسندگی را داشته باشد که تقریباً بی‌نیاز از کشور های دیگر می‌باشد. مثل بعضی از کشورها نیست که در وابستگی به کشورهای دیگر معنی و سامان می‌یابند. به این ترتیب هویت مدنی در ایران، در گستره کشور محقق می‌شود و این امر، نیازمند زمان است و ماهیت تدریجی پیدا می‌کند و تاریخی بودن را به وجود می‌آورد.

نظام مناسباتی به خودی خود واقعیتهای ندارد؛ ولی زمانی که مورد توجه و ایمان مردم قرار گیرد واقعیت و حقیقت اجتماعی پیدا می‌کند و قدرتمند می‌شود و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. نظام اعتباری وقتی مورد باور و ایمان مردم قرار بگیرد؛ روح و جان پیدا می‌کند و مسلط می‌شود. سلطه آن هم بسیار قوی‌تر از سلطه افراد بر افراد است و به نوعی فاعلیت تسخیری بر انسان‌ها خواهد داشت. نظام، مردم نیست بلکه عبارت از ایمان و باور مردم به آن است. قدرت نظام از ایمان جوامع و آدم‌ها است همه آدم‌ها اگر بی‌ایمان شوند، نظام دیگر وجود ندارد نظام در ایمان خوابیده است. ایران نظام مناسباتی است و نظام به میزانی که مورد توجه قرار می‌گیرد، محقق می‌شود. همین امر



می‌شناسند. اما در ایران باید روشنفکری و نخبگی عمومی شده پذیرش داشته باشد که اسمی جا بیافتد. این امر هم لاجرم تدریجی خواهد بود. مقاومت در مقابل مواردی مثل تغییر تقویم که توسط رژیم پهلوی صورت گرفت، این امر را نشان می‌دهد. روشنفکری و قدرت تحلیل سیاسی در همهٔ ساحت‌های زندگی ایرانی، عمومی است.

ایران، یک پدیده‌ای فلسفی است که احکام فلسفی را ظاهر می‌سازد و آنی است که موضع‌ها باید نسبت به آن معلوم شود. اختلاف نظر، مواضع و اجتهاد افراد با بحث از آن روشن می‌شود. به این ترتیب می‌توان از ایده ایران سخن گفت. ایران علاوه بر یک نام جغرافیایی، فرهنگ و تخیل هم هست. فرهنگ و تخیلی که توانسته است در قالب یک کشور تعین یابد. ایران نشان می‌دهد که ایده قابل تحقق است. آرمان با واقعیت در ایران یکی شده است و در عین حال مراتب بالاتر آرمان در پیش رو است. ایران تحقق پیدا کرده است و حیات اخلاقی دارد. ایده ایران الهام‌بخش پیشرفت است که خواست آن در ایران، نهادینه شده است. انسجام اجتماعی و وفای ملی را در جامعه به وجود می‌آورد، بستر مشارکت سیاسی را فراهم می‌کند و برای مواجهه با حوادث آینده آماده‌تر می‌شود. ایران عبارت از نظام مناسبات سیاسی و اجتماعی است که در قانون اساسی تعین پیدا می‌کند و ایرانی بودن در برقراری نسبت با قانون اساسی معنی می‌یابد. فرایند تحقق آرمان ایران را می‌توان در عرصه‌های مدنیت حقوقی، مبانی معرفتی و نظام رشد و پیشرفت جستجو کرد.

مقولهٔ مهم دیگر، در گرو آینده بودن ایران است. حوادثی در گذشته شکل می‌گیرد تا اینکه این نام در آینده کاربرد داشته باشد. ایران، ایده است چون بحث از آن بیش از آن که مربوط به گذشته و تاریخ باشد، امروز و بلکه آینده جامعه را می‌نمایاند. نشان می‌دهد که چه حرفی برای گفتن در دنیای کنونی دارد و چه افقی را برای آینده می‌گشاید و مسائل جامعه معاصر را در افق آینده طرح می‌نماید. مطالعات

جامعه‌شناختی و آینده‌پژوهی دربارهٔ ایران، اولویت دارد. "ایران آینده" ساخته نمی‌شود؛ بلکه ظاهر می‌شود. ایران آینده، ما را به‌سوی خود می‌کشد. این ایده، نباید تبدیل به یک تفکر سیاسی گذشته‌گرا و انزواجویانه شود. بلکه باید واقعیت‌های عینی جامعه را با چشم‌اندازهای آینده پیوند دهد. نه تنها می‌توان ایران آینده را در ایده ایران یافت؛ بلکه ایران کنونی هم با همه تکثراتش می‌تواند، خود را در آن باز یابد. البته این ایده بی‌ارتباط

با گذشته نیست و پیوند خود را با گذشته عتیق نمی‌گسلد.

ایران یک ایمان، تحرک انقلابی و انتظار آینده است. انتظاری را برآورده نمود و تخیلات و انتظاراتی را سبب شد. حرکت امام رضا علیه السلام به ایران، این ایمان و جریان انتظار را سبب شد و ایران، با امام رضا علیه السلام شناخته می‌شود. ملیت ایرانی یک ساخت ایمانی است که اسلام آن را درست کرده است و ایرانی بودن، مقوله‌ای اسلامی است. سخن گفتن از ایران آینده، سخن گفتن از امر حاضر است و نیازی به تحمیل گذشته بر ذهن و جان مردمان ندارد. تفکر گذشته‌نگر و بی‌ارتباط با زیست جمعی، برای تحمیل خود، نیازمند طرد و برچسب زنی است. وقتی سخن از ایران آینده است، به معنای برساختن امری غریب نیست. بلکه، حرکت به سمت وضع کمال یافته‌تری نسبت به اکنون است. "ایران آینده" کمک به فعلیت بخشی به امکان‌های انسان ایرانی است. ایدهٔ ایران مورد توجه قرار می‌گیرد و قرار است که در آینده تحقق پیدا کند. آن چیزی که قرار است تحقق پیدا کند؛ امکان ایران‌گرایی برای کشورهای دیگر است. اینکه ایران، کشوری با مرزهای مشخص است؛ باعث آن نمی‌شود که کشورهای اطراف نتوانند با ایده ایران ارتباط برقرار کنند و از آن الهام بگیرند. ایران جایی است که غیرایرانی‌ها هم در آن احساس راحتی می‌کنند و می‌توانند الگوبرداری کنند. ایران در مرکز حوادث قرار دارد و کشور تحولات است و ملت ایران است که به انقلاب همت می‌گمارد. ایران عبارت از همین کشوری است که مسّی به ایران هست؛ اما کشورهای دیگر هم بدون آنکه بخواهند نامشان را تغییر بدهند؛ می‌توانند با ایده ایران ارتباط برقرار کنند. به این معنی ایران فراتر از مرزهای جغرافیایی است. ایران را نباید منتزع از واقعیت‌ها و مسائل امروز جهان و منطقه طرح کرد. نه تنها امکان بسط مناسبات صلح آمیز با کشورهای همسایه در سایهٔ آن وجود دارد، بلکه می‌تواند مهم‌ترین بنیان برای همین امر باشد.



مسأله و ایده ایران

پرسش از ایران در آن مسأله‌مند شده بود، به لحاظ تاریخی، به عصر دولت - ملت‌سازی تعلق داشت و ایده جدید ایران نیز در آن زمینه و اقتضائات ناشی از آن صورت‌بندی شد. و امروز نیز اگر ایران را مسأله‌مند کنیم این مسأله‌مندی در افق تاریخی متفاوتی یعنی



عصر جهانی‌شدن صورت می‌گیرد و ایده ایران نیز در این افق صورت‌بندی خواهد شد. به این ترتیب باید تصریح کرد که مسأله‌مند شدن ایران در ظرف تاریخی جدید کاملاً با مسأله‌مند شدن آن در ادوار قدیم متفاوتی است و طبعاً پاسخی هم که داده می‌شود نیز متفاوت خواهد بود. این نگرش به موضوع مهم دیگری نیز اشاره دارد و آن اینکه قائل شدن به ایده فراتاریخی ایران مورد قبول نخواهد بود.

وی در ادامه گفت: «بدین ترتیب باید گفت که اکنون که در افق تاریخی عصر مدرن و مناسبات جهانی شده قرار گرفته‌ایم، گفتگو درباره مسأله / ایده ایران در حقیقت گفتگو درباره "امر ملی" قلمداد شود. به تعبیر دیگر، نظرورزان عصر جدید ایده ایران سعی کرده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که "امر ملی" را چگونه می‌توان بنیانگذاری و ساماندهی مضمونی کرد. در یک گزارش تاریخی، روایت‌های هژمونیک از مسأله / ایده ایران در عصر جدید، را در چند دوره می‌توان از یکدیگر تمییز داد. اول گفتمان مسأله / ایده ایران در عصر مشروطه است که عناصر مفهومی آن عبارت بود از: سرزمین، ابناء وطن، دولت ملی و تمدن ایرانی. هسته سخت این گفتمان را "سرزمین" یا "وطن" تشکیل می‌داد. در این گفتمان مسأله بیرون رفتن از ایده ایرانی رعایای

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه سلسله نشست‌های «مسأله و ایده ایران» روز شنبه ۱۴ اردیبهشت ۹۸ میزبان دکتر محمدعلی اکبری، استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی بود.

دکتر اکبری گفت: «قصد دارم در ابتدا ذیل موضوع محوری «ایده ایران» دو نکته مقدماتی را بیان می‌کنم. نکته اول آنکه گفتگو درباره ایده ایران متضمن بحث درباره پرسش از مسأله ایران است. نوعی پروبلماتیزه کردن موضوعی به نام ایران است. یعنی این پیش فرض را داریم که پرسش از ایده ایران در دل خود پرسش از مسأله ایران را نهفته دارد. نکته دوم اینکه وقتی درباره ایده ایران / مسأله ایران گفتگو می‌کنیم درباره یک موضوع پایان یافته و به گذشته پیوسته، سخن نمی‌گوییم. یعنی ایده / مسأله ایران، مسأله‌ای تاریخی است که اکنون نیز به مثابه یک مسأله با آن مواجه هستیم».

وی افزود: «در ادامه بحث، چند پرسش را مطرح می‌کنم و تلاش خواهم داشت تا حدودی که توان علمی بنده اجازه می‌دهد و وقت هم یاری می‌کند، به پاسخ آن بپردازم. پرسش اول اینکه خاستگاه ایده / مسأله ایران را چگونه باید جستجو کرد. برای تدقیق مفهوم خاستگاه باید تصریح کنم که در این بحث، مقصود از خاستگاه آن زمان آغازی نیست که معمولاً مورخان در نظر دارند؛ بلکه به طور خاص تعریفی است که نیچه و فوکو بیان کرده‌اند. خاستگاه پرسش از ایران یا مسأله ایران را کجا باید جستجو کرد؟ خاستگاه جایی نیست که پدیده تاریخی در معنای متعارف کلمه در معرض دید و شناخت قرار گیرد. در تعریف مورخ از خاستگاه "برآمدن" در کانون تعریف قرار دارد. در حالی که خاستگاه در تعریف ما، چیزی بیشتر و عمیق‌تر از مفهوم زمان آغاز است. در این تلقی، خاستگاه از حیث وجودی نوعی استمرار وجودی پیدا می‌کند و از حیث ظهور تاریخی، کاملاً با پدیده‌های دوره‌های مختلف آن همراه است. باید توجه داشت که مورخان معمولاً کمتر به زبان مفاهیم و بیشتر به زبان رخدادها سخن می‌گویند. از نظر تاریخی موضوع مهمی که باید در نظر داشت این است که در دوره‌های مختلف پرسش از ایده / مسأله ایران به دلایل تاریخی خاصی مطرح و پاسخ‌هایی نیز به آن داده شده است. اما آنچه الان موضوع بحث ماست، ایده / مسأله ایران در مقام پروبلماتیکی است که در مناسبات عصر مدرن پدیدار شده و به طور کیفی متفاوت است از آنچه که در ادوار دیگر مسأله‌مند شده است و لذا کلیت معنایی آن را نباید با دوره‌های گذشته تاریخی قیاس کرد. به بیان دیگر، افق تاریخی که



خیل سلطان بود و لذا مفهوم جدید سرزمین یا وطن می‌باید کانونی شود. ایرانی دیگر رعیت نیست، بلکه ابنا وطن است اصطلاح ابنای وطن، صرفاً یک رابطه عاطفی را بیان نمی‌کند بلکه تعلق ابنا به وطن و نه سلطان را در کانون معنای ایرانی قرار می‌دهد. در ایده قدیم ایران، سلطان به مثابه پدر باید مسئولیت ولایت و تمشیت تمامی امور رعیت را بر عهده داشت و حال آن که شاه در گفتمان جدید، سمبل نهاد سیاسی است که فاقد قدرت اجرایی است و وجه نمادین دارد. این تغییر بسیار مهم است. ایرانیان غلامان خیل سلطان به ابنا وطن یا شهروندان صاحب حق مبدل می‌شوند. نوعی انقلاب حقوقی نه با غلظت خیلی زیاد. ایرانیان برادران هم هستند. هم پیوند و رابطه عمودی که با مفهوم وطن ایجاد می‌کند هم رابطه عرضی که با مفهوم ابنا به نسبت وطن و برادران نسبت به آباء ما را در یک افق تاریخی جدید قرار می‌دهد».

اکبری تصریح کرد: «نکته مهم دیگر این است که در گفتمان جدید دیگر سلطنت در مرکز و کانون قرار ندارد. بلکه در لایه‌های بعدی پس از وطن / ابنای وطن آن هم ذیل "دولت ملی" صورت‌بندی می‌شود. به علاوه، در این صورت‌بندی گفتمانی مدنیت ایرانی یک کلیت در نظر گرفته می‌شود که ادوار قبل و بعد از اسلام را به‌طور همبسته در خود جای می‌دهد. به معنای دقیق کلمه، دوگانه اسلام و ایران ساخته نمی‌شود. در ایرانیت جدید قرار نبود سلطان در معنای قدمایی آن قوام بخش جامعه سیاسی در نظر گرفته شود بلکه شهروندان صاحب حق و دولت ملی این امر را متکفل می‌شدند. دوره دوم عصر پهلوی‌ها هسته مرکزی و اصلی بار دیگر ایران مسأله‌مند شد. در این صورت‌بندی ایده ایران بر دو عنصر کانونی "شاهنشاهی" و "وطن آریایی" ابتناء یافت. اتفاق مهم جابه‌جایی وطن با شاهنشاهی در کانون ایده جدید ایران بود. یعنی ارتجاع و بازگشت به گذشته. بدین ترتیب، در صورت‌بندی عصر پهلوی،

نقطه کانونی و وحدت‌بخش و انسجام‌بخش ایده ایران عبارت بود از دولت و نظام شاهنشاهی است. مخصوصاً در کتاب «پیش به سوی تمدن بزرگ» این امر به‌خوبی توضیح داده شده است.

در عصر پساپهلوی نیز کوشش‌هایی برای پرداختن به مسأله / ایده ایران صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به ایده ایرانشهری دکتر طباطبایی اشاره کرد. در صورت‌بندی

دکتر طباطبایی کانون ایده ایران، فرهنگ و مدنیت ایرانی قرار دارد که هسته سخت موجودیت ایران و ایرانی را می‌سازد. بر این اساس یک منظومه معنای مشترکی وجود داشته و دارد که در طول تاریخ مقوم ایده ایران بوده است. این منظومه معنایی موجودیت تاریخی ما را ساخته و از یک نوع تداوم تاریخی نیز برخوردار است. ایران یک کلیت تاریخی و تمامیت دارد که آن را از دیگر جهان‌ها متمایز می‌کند. یکی از رویکردهایی که اتفاقاً متاخر است رویکرد جامعه‌گرایی است. به رسمیت شناختن گونه‌گونگی در تمام لایه‌هاست. اینها می‌آید در سطح جامعه مدنی با نظم دموکراتیک این رویارویی‌ها، این همان تکثری است که گفته شد».

اکبری در خاتمه سخنانش گفت: «در مقام جمع‌بندی و با نگاه به تجربه‌های تاریخی توجه به این نکات مهم است که اولاً در ساختن ایده ایران عناصر مقوم اگر چگونه خوانده شوند، تنش‌زا می‌شود و اگر چگونه خوانده شوند می‌توانند قوام بخش باشند. ثانیاً باید به روندهای جهانی شدن و چالش‌هایی که برای ایده ایران ایجاد کرده است، توجه داشت و در نقطه مقابل، نیز باید ظهور راست جدید جهانی و میل به سرمایه‌داری در قالب نوعی ناسیونالیسم افراطی (مصادق ظهور ترامپ نماینده جنبش راست جدید) را نیز از نظر دور نداشت. این تحولاتی که به گوشه‌ای از آنها اشاره رفت، نشان می‌دهد که مسأله / ایده ایران بار دیگر به میدان فرخوانده شود و می‌توان انتظار داشت که در ظرف اقتضائات نوظهور ملی و جهانی این امر ملی باز خوانده خواهد شد و صورت‌های گفتمانی جدیدی از مسأله / ایده ایران رخ نماید».



نقش خانواده در گذر ایمن از فضای مجازی

گذاشته است:

دوره اول: ارتباطات شفاهی؛

دوره دوم: ارتباطات مکتوب؛

دوره سوم: ارتباطات الکترونیکی.

اگر نگاهی به دوره‌های ارتباطی در ایران بیندازیم، خواهیم دید که در ایران به‌صورت جهشی از دوران ارتباطات شفاهی وارد دوران ارتباطات الکترونیکی شدیم و این جهش به دلیل تأخیر در ورود صنعت چاپ به کشورمان روی داده است؛ بنابراین، شهروندان ایرانی فرصت عادت به کتبی شدن را از دست دادند و بدون بهره‌مندی از سواد پایه (سواد رسانه‌ای، سواد فرهنگی، سواد بصری و...) وارد عرصه پسامدرن تصویر شدند. اگر به شهروندان ایرانی گفته شود که دو راه برای کسب خبر درباره موضوعی پیش روی شماست: اول، دریافت اطلاعات به‌صورت شفاهی از برنامه خبری رادیو، تلویزیون یا سخنرانی و دوم، دریافت خبر به‌صورت مکتوب از روزنامه یا مجله و سپس سؤال شود شما کدام راه را انتخاب خواهید کرد، پاسخ اکثر ایرانی‌ها دریافت اطلاعات از راه اول است؛ چراکه این پاسخ ریشه‌ای تاریخی دارد. ایرانی‌ها یک‌باره از پای منبر و سخنرانی (ارتباطات شفاهی) و درحالی‌که به ارتباطات مکتوب عادت نکرده بودند، به استقبال رسانه‌های الکترونیک (ارتباطات الکترونیکی) رفتند و بدین ترتیب ناخودآگاه به جهان تصاویر پرتاب شدند.

در ادامه دکتر محمد سلطانی‌فر، عضو هیأت علمی دانشگاه با نگاهی به سه نسل A و B و C خانواده‌ها در فضای مجازی، به برخی از خصوصیات نسل C اشاره کرد و گفت: «نسل C نسلی است که عمدتاً متولدین سال‌های ۱۹۸۰ به بعد (۱۳۶۰ به بعد) با پدیده‌های

به همت گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی، اولین نشست از سلسله نشست‌های علمی «نقش خانواده در گذر ایمن از فضای مجازی» در روز ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸، برگزار شد.

در ابتدای نشست دکتر بهاره نصیری، عضو هیأت علمی گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به فرصت‌هایی که فضای مجازی برای خانواده‌ها ایجاد کرده، اشاره کرد و



گفت: «با ظهور فضای مجازی برای اولین بار شاهد شکل‌گیری حافظه خانوادگی با ویژگی‌های خاص، یعنی حافظه خانوادگی عمومی شده هستیم. به این معنا که تمامی رخدادهای ریز و درشت خانواده‌ها در حال مستند شدن است و خانواده مستند شده در ایران در حال ظهور است. همچنین افراد در فضای مجازی به تمرین گفتگو می‌پردازند. جنس این گفتگوها مبتنی بر اطلاع از دانش‌های روز، مانند جدیدترین یافته‌های علمی درباره وزن، آرایش، بهداشت و سلامت، آموزش،

شیوه‌های فرزندپروری، همسراری و... است. امروز افراد با حضور در شبکه‌های اجتماعی خوانا و نویسا (افزایش مهارت خواندن و شنیدن) شده‌اند؛ به‌طوری‌که روزانه ده‌ها و شاید صدها متن خوانده و نوشته می‌شود».

وی در ادامه با نگاهی بر نظریه مارشال مک لوهان، بر دوره‌های ارتباطی در ایران اشاره کرد و گفت: «ارتباطات انسانی تاکنون سه دوره را پشت سر



تبلت، آی پد و ... هستند که دارای ویژگی‌هایی چون: تفرد، زندگی سلولی، عقلانیت فرد، کسب منافع و علایق (خصوصیات پست مدرن‌ها)، خانواده مرکز ثقل آنها نیست، باورها و آموزش‌های خود را از فضای وب می‌گیرند، غیرتشریفاتی و غیراجتماعی هستند، تلفن همراه و سایر ابزارهای ارتباطی محور زندگی آنهاست، بی‌موبایل هراسی دارند (no-mo.phone)، دارای هویت موبایلی، نفی هویت‌های اجباری و پذیرش هویت‌های انتخابی و مجازی هستند، بین ۸ الی ۱۵ ساعت از زندگی روزانه خود را در وب و به واسطه تلفن همراه می‌گذرانند، همه دارای پدر و مادر مشترکی به نام اینترنت هستند، عدم امکان تشخیص و تمییز بین فضای واقعی و مجازی وجود دارد، بین این نسل و نسل‌های قبل شکاف نسلی ایجاد شده است.

سلطانی‌فر در ادامه راهکارهایی پیشنهاد کرد، از جمله: «ضرورت شکل‌گیری خانواده دیجیتال، شناخت عمیق نسل C توسط خانواده‌ها، پذیرش تفاوت‌های نسلی و عدم مقابله با آن، صرف وقت بیشتر، توجه و تأمین نیازهای روحی و روانی نسل C، پرهیز جدی از رسانه هراسی، لزوم تغییر جدی در آموزش‌های سنتی، آموزش قدم به قدم سواد رسانه‌ای ابتدا به خانواده و سپس به فرزندان، آموزش شک کردن به طرق مختلف، تولید محتوا برای فرزندان، استفاده از تجربیات سایر کشورها، استفاده و تولید آپ‌های آموزشی، تولید آپ‌های مختلف کنترلی برای فرزندان، استفاده روزآمد و وسیع از شبکه‌های اجتماعی».

سخنران پایانی نشست دکتر علی گرانمایه‌پور، عضو هیأت علمی دانشگاه با اشاره به جریان‌شناسی مصرف رسانه‌های خانواده‌های ایرانی از دهه ۵۰ به بعد، گفت: «در دهه ۵۰ و ۶۰ مصرف رسانه‌های خانواده ایرانی تلویزیون، روزنامه و ویدئو بود. در اواخر دهه ۶۰ آتاری و سگا نیز وارد مصرف رسانه‌های خانواده‌ها شد. در دهه ۶۰ و ۷۰،

همچنان تلویزیون، روزنامه و رادیو بود اما تلویزیون تنوع شبکه‌ای پیدا کرد. در دهه ۷۰ تا ۸۰ در کنار این وسایل ارتباطی، اینترنت، وبلاگ‌نویسی، موبایل وارد خانواده‌ها شده و سرگرمی‌های جدیدی به وجود آمد. در دهه ۸۰ بازی‌ها شکل گرفتند و در دهه ۸۰ تا ۹۰ تلویزیون با نمایشگرهای بزرگ، شبکه‌های ماهواره‌ای، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها آمدند و ما شاهد ظهور پدیده‌ای به نام اعتیاد اینترنتی هستیم. در این جریان‌شناسی رسانه‌ای متوجه خواهیم شد که ذائقه ایرانی تغییر یافته است».

دکتر گرانمایه‌پور با تأکید بر این نکته که فضای مجازی هم فرصت است و هم تهدید و این مهارت خانواده است که باید آن را مدیریت کند، فرصت‌هایی را که فضای مجازی برای خانواده‌های ایرانی فراهم کرده شامل فرصت اقتصادی، تشکیل شبکه‌های اجتماعی و ایجاد داد و ستد در آن، تشکیل شبکه‌های خانوادگی و دوستی‌ها، تبادلات علمی، افزایش نسبی آگاهی والدین، شکل‌گیری نوع جدیدی از سرگرمی‌ها دانست و گفت: «در مقابل این فرصت‌ها، مسائل و مشکلاتی نیز ایجاد شده که می‌توان به مواردی همچون: اعتیاد پدران و مادران و فرزندان، کاهش ارتباط چهره به چهره و روابط عاطفی، بلوغ زودرس نوجوانان و جوانان، مرجعیت فکری فضای مجازی که تابع نظریه توهم دانایی است، دانش سطحی و عمق آن پایین است، کاهش مهارت‌های فردی، عدم تمرکز فکری و ذهنی، افت تحصیلی فرزندان، اشاره کرد».

وی با اشاره به کارکرد خانواده در مواجهه با فضای مجازی گفت: «آنچه که یاد می‌گیریم بر پایه کسب مهارت و دانش است. براساس نظریه توهم دانایی آنچه در فضای مجازی می‌آموزیم بر پایه دانش نیست بلکه بر پایه ارتقاء مهارتی است که طی آزمون و خطا در این فضا یاد گرفته‌ایم».



نقد و بررسی کتاب «فلسفه پول»

انسانی و اجتماعی و هم چنین نسبت دین با این علوم پرداخته شد.

گئورگ زیمل، فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۵۸-۱۹۱۸) است که کتاب و مقاله‌های متعددی در زمینه روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، فرهنگ، دین و فلسفه نوشته است. غیر از فلسفه پول، نام مهم‌ترین کتاب‌ها و مجموعه مقالات چاپ شده از او به

نشست نقد و بررسی کتاب «فلسفه پول» اثر گئورگ زیمل با حضور دکتر سیدمیرجلیلی و دکتر محمدرضا امیری تهرانی از گروه اقتصاد، دکتر آیدین ابراهیمی در رشته جامعه‌شناسی و مترجم کتاب، شهناز مسمی‌پرست، روز چهارشنبه ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۷ در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



زبان فارسی عبارتند از؛ شوپنهاور و نیچه (ترجمه شهناز مسمی‌پرست، نشر علم)، مقالاتی درباره دین (ترجمه شهناز مسمی‌پرست، نشر ثالث)، مقالاتی درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی (ترجمه شهناز مسمی‌پرست، نشر ثالث)، مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی (ترجمه شهناز مسمی‌پرست، شرکت سهامی انتشار). زیمل افزون بر کتاب‌های یاد شده، مقالات متعددی نیز در این زمینه‌ها منتشر کرده است.

افزون بر این کتاب‌ها، زیمل آثار دیگری نیز دارد که برخی از آنها از زبان آلمانی حتی به زبان انگلیسی برگردانده نشده است. کتاب‌هایی مانند: مقدمه‌ای بر علم اخلاق، درباره تمایز اجتماعی، مسائل فلسفه تاریخ، مادرشهر و حیات ذهنی، کانت، فلسفه مد، کانت و گوته، دین، جامعه‌شناسی؛ پژوهش‌هایی درباره برساختن فرم‌های اجتماعی، مسائل اصلی فلسفه، فرهنگ فلسفی، پرسش‌های زمینه‌ای جامعه‌شناسی، نگرش زندگی و درباره فلسفه هنر.

زیمل در دوره‌ای از حیات علم می‌زیسته است که معرفت‌شناسی‌ها، روش‌شناسی‌ها و رشته‌های علوم انسانی در حال شکل‌گیری و تعریف مرزبندی‌های خود بوده است. رویکرد علمی غالب در این دوره، تحت

کتاب فلسفه پول مهم‌ترین اثر گئورگ زیمل است که پس از گذشت نزدیک به یک سده فراموشی دوباره در آکادمی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این کتاب برخلاف عنوان آن درباره اقتصاد نیست، و به موضوعات فرارشته‌ای در قلمروهای فلسفه، فرهنگ، روانشناسی، علوم اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد. این نشست دو هدف را دنبال کرد؛ نخست معرفی اجمالی محتوای کتاب و دوم، تحلیل نسبت این کتاب با تخصص‌گرایی آکادمیک. برای هدف یکم، سعی شده است که مهم‌ترین مقولات بحث شده در فلسفه پول به خلاصه معرفی شود. اما هدف دوم از دو حیث بررسی شده است، نخست اینکه دلایل مطرح شدن این اثر پس از یک دوره طولانی چشم‌پوشی از آن، در جهان معاصر چیست، و دوم این که نسبت این اثر با وضعیت علوم انسانی و اجتماعی در ایران کدام است. بدین منظور، در آغاز نظریه فرم‌های زیمل بررسی شد و سپس براساس نظریه فرم‌ها، مقولات عینیت یافتگی/شئ‌شدگی، سوژه-ابژه، مدرنیت، زیبایی‌شناسی، هدف-وسیله، و فرم دین در فلسفه پول معرفی شدند. در ارزیابی نسبت فلسفه پول با تخصص‌گرایی آکادمیک در جهان معاصر و به‌ویژه ایران، به رونق یافتن رویکرد فرارشته‌ای در علوم



بود که حقوقی از دانشگاه دریافت نمی‌کرد و باید از ماهانه‌های پرداختی دانشجویان زندگی را می‌گذراند. او غریبه‌ای در آکادمی بود و تنها برای چهار سال آخر عمرش از سال ۱۹۱۴، کرسی دانشگاهی را در دانشگاه استراسبورگ دریافت کرد.

زیمیل همان قدر مورد خشم اقتصاددانان بود که فیلسوفان با او سر ناسازگاری داشتند. گرچه یهودی بودن او در جلوگیری از دریافت کرسی تدریس در دانشگاه برلین بی‌تأثیر نبود، اما دلیل اصلی این خشم در روش مطالعات فرارشته‌ای او نهفته بود که با تخصص‌گرایی آکادمیک و رو به رشد سازگاری نداشت. برای آشنایی بیشتر با رویکرد روش‌شناختی او، به طور مختصر در این نشست نظریه‌فرم‌های او مورد بررسی قرار گرفت.

تأثیر پیشرفت‌های علوم طبیعی، رویکرد اثبات‌گرایی بود. البته رویکرد تاریخی و هرمنوتیک نیز در فضای آکادمی‌های آلمان در حال بالیدن بود. زیمیل رویکرد پوزیتیویستی به علم را رد می‌کرد و گرچه رهیافتی تاریخی به شناخت داشت، اما تفاوت دیدگاه‌های خود را با هرمنوتیک دیلتای کتمان نمی‌کرد.

رویکرد فرارشته‌ای زیمیل، مطالعات و پژوهش‌های او را کم مخاطب کرده بود. نتایج تحقیقات او در هیچ یک از رشته‌های رسمی دانشگاه‌های آلمان و حتی اروپا جایگاهی نداشت. حتی تلاش‌های چندین باره دوست صمیمی او ماکس وبر، برای عضویت زیمیل در دانشگاه برلین به شکست انجامید و او هرگز نقش دیلتای، ریکرت و ویندلبنند را در این ارتباط نبخشید. او در حالی که کتاب فلسفه پول را در کارنامه خود داشت، تنها به عنوان استاد بدون کرسی در دانشگاه به تدریس مشغول



انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی حکمی؛ دکتر احمد پاکتچی را به عنوان دبیر کمیته منتخب پژوهشکده دانشنامه‌نگاری منصوب کرد.

همچنین دکتر قبادی طی احکامی دکتر بهمن نامور مطلق، دکتر سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده، دکتر علیرضا ملایی توانی و دکتر علی‌اصغر مصلح را به عضویت در کمیته مشورتی سیاستگذاری مرکز اسناد فرهنگی آسیا منصوب کرد.



زبان در جهان واقع (پژوهشی در روانشناسی زبان)

زمینه مشترک در فرایند کنترل بیشتر از مراحل اولیه است.

احدی در بخش بعدی سخنان خود به مفهوم فهم‌پذیری پرداخت و ضمن بیان اینکه می‌توانیم به صورت ارادی یک واژه را به روش‌های متفاوتی ادا کنیم. می‌توانیم



آن را با دقت و با حداکثر فهم‌پذیری بیان کنیم یا می‌توانیم بد تلفظ کنیم، درباره نحوه بیان واژه، بدون تفکر به آن، گفت: «براساس پژوهش‌های انجام شده، در هنگام بیان یک واژه محتوایی در یک گفتمان، میزان فهم‌پذیری آن در بار اول نسبت به کاربرد دوباره آن در گفتگو بیشتر است. یعنی اگر واژه خارج از بافت شنیده شود، بیان بار اول آن قابل تشخیص‌تر است. این مسئله از نقطه نظر ارتباطی مهم است زیرا تشخیص یک واژه جدید برای شنونده دشوارتر از واژه‌ای است که پیش‌تر به صورت صریح یا ضمنی بیان شده است. علاوه بر تکرار، پژوهش‌ها نشان داده است که کاربرد اصطلاحی آشنا برای مصداقی تازه موجب افزایش فهم‌پذیری یا درک‌پذیری می‌شود».

احدی در پاسخ به این پرسش که آیا گوینده پیوسته در پی فهم‌پذیری مطالب خود برای شنوندگان است تا واژه‌های جدید یا غیرقابل پیش‌بینی را شفاف‌تر سازد، گفت: «از نظر پردازشی چنین فرایندی کم و بیش پرهزینه است زیرا مستلزم آن است که گوینده به‌طور پیوسته، دسترسی و تعیین ارجاعات خاص را برای شنونده کنترل کند. اما حالت دیگر این است

پژوهشکده زبان‌شناسی، روز سه‌شنبه ۳۱ اردیبهشت ۹۸ نشست «زبان در جهان واقع: پژوهشی در روان‌شناسی زبان» را با سخنرانی دکتر حوریه احدی برگزار کرد.

احدی در ابتدای سخنرانی خود ضمن بیان اهمیت گفتگو، به ویژگی‌های اصلی یک گفتگو اشاره کرد و گفت: «گفتگو ذاتاً و در حقیقت یک فعالیت مشترک بین گویندگان است که در آن گویندگان برای درک گفتگو مشارکت دارند. گفتگو یک موقعیت فعال است که در آن صحبت کردن و شنیدن، نقش‌هایی هماهنگ و پیوسته در حال تغییر هستند. در فرایند گفتگو، شنونده به دلیل احتمال تغییر نقش در فرایند گفتگو و تبدیل شدن به گوینده، لازم است به گفته‌ها گوش دهد. گوینده نیز توجه ویژه‌ای به نیازهای شنونده دارد و سعی می‌کند از مبهم‌گویی پرهیز کند و اطلاعاتی ارائه کند که برای شنونده جدید و مهم باشد».

وی در ادامه ضمن اشاره به انگاره گفتگو، به طرح این پرسش پرداخت که چگونه طرفین گفتگو، فعالیت‌های زبانی مشترکشان را هماهنگ می‌کنند و برای پاسخ به این پرسش، لازم دانست ابتدا مفهوم زمینه مشترک مورد بحث و بررسی قرار گیرد».

احدی در تعریف مفهوم زمینه مشترک گفت: «زمینه مشترک مسئله اصلی در بررسی گفتگوست که در واقع بافت بلافصل زبانی و غیرزبانی است. زمینه مشترک آن چیزی است که طرفین گفتگو می‌توانند به عنوان دانش مشترک در نظر بگیرند. مسائل بسیاری وجود دارد که می‌تواند در زمینه مشترک بین مخاطبان حتی بین افراد تاحدی غریبه وجود داشته باشد. افراد باید میان آنچه می‌دانند و آنچه از دانسته‌های مخاطبان استنتاج می‌کنند تمایز قائل شوند. لازم است اطلاعات در لحظه روزآمد شوند. بسیاری از پژوهشگران معتقدند انتظار حفظ و کنترل زمینه مشترک بسیار پرهزینه است، لذا انگاره‌های دیگری را برای چگونگی عملکرد زمینه مشترک ارائه کرده‌اند که از آنها می‌توان به توجه به زمینه مشترک در مراحل ابتدایی برنامه‌ریزی گفتار یا توجه به زمینه مشترک در مراحل بعدی پردازش یعنی هنگام کنترل سخنان توسط گویندگان اشاره کرد».

وی در ادامه با بیان برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه توجه به زمینه مشترک، نتیجه‌گیری کرد: «گویندگان در شرایط عادی به زمینه مشترک اهمیت می‌دهند؛ اما وقتی در فشار زمانی قرار می‌گیرند، بدون توجه به بافت، توصیف‌ها را در نیمی از مدت زمان تعیین شده به کار می‌برند؛ بنابراین توجه گوینده به



که گویندگان نخست به دانش خودشان دربارهٔ وضعیت گفتمان و دانش همگانی توجه می‌کنند. در بیشتر موارد در دنیای واقعی، دانش گوینده دربارهٔ گفتمان جاری با شنوندگان همگام است، بنابراین فرقی نمی‌کند که گوینده دانش خود را در نظر بگیرد یا دانش شنونده‌اش را تخمین بزند. اما در مواردی که بین گوینده و شنونده ناهماهنگی وجود دارد، این راهبرد نتیجهٔ عکس و منفی دارد. در این صورت گوینده پس از آگاهی از مشکل، از طریق نظارت و بازنگری گفتار یا با دریافت بازخورد عدم درک از سوی شنونده، درصدد تنظیم گفتار خود با مخاطب برآید.

وی در ادامه ضمن بیان تأثیر شنونده بر گوینده، به انواع مختلف همترازی بین گوینده و شنونده پرداخت و گفت: «در طی گفتگو گوینده‌ها و شنونده‌ها بر یکدیگر اثر می‌گذارند و به دلیل انگیختگی، طرفین معمولاً سعی می‌کنند طی گفتگو، گفتاری مشابه داشته باشند. گویندگان در تمام لحظات یا در ابتدا، همهٔ نیازهای شنوندگان خود را در نظر نمی‌گیرند. طی گفتگو مخاطبان به تدریج در بازنمود آوایی، واژگانی و نحوی هماهنگ می‌شوند؛ یعنی می‌کوشند واژه‌ها را با روشی یکسان بیان کنند و بدون توجه به محتوا، برای ارجاع به اشیاء یکسان از اصطلاحات مشابه و حتی از ساختارهای نحوی یکسان استفاده کنند. از نظر آوایی می‌توان به کاهش فهم‌پذیری و تولید گویندگان طی دورهٔ گفتگو اشاره کرد. این اتفاق حتی هنگام شنیدن واژه از گویندهٔ دیگر نیز رخ می‌دهد. طرفین گفتگو در طول گفتمان، تکیه و سرعت بیان را تغییر می‌دهند و

همتراز می‌شوند. از نظر واژگانی می‌توان به استفاده از اصطلاحات مشترک برای اشاره‌های مکرر به اشیاء در طی گفتگو اشاره کرد. از نظر نحوی نیز، گویشوران به طور معمول ساختارهایی را تکرار می‌کنند که به تازگی شنیده، خوانده یا بیان کرده‌اند.

وی در ادامه برای توصیف همترازی واژگانی میان گوینده و شنونده به آزمایش برنان و کلارک (۱۹۹۶) اشاره کرد و گفت: «آنها در آزمایش خود از آزمون تکلیف تطابق برای نشان دادن همگرایی واژگانی استفاده کردند. در این آزمایش یک مجموعهٔ ۱۲ تایی از کارت تصاویر اشیاء در اختیار آزمودنی‌ها قرار داده شد. آزمودنی‌ها با یک دیواره از هم جدا بودند و نمی‌توانستند کارت‌های یکدیگر را ببینند. آزمودنی باید از توالی کارت‌های فرد هماهنگ‌کننده آگاهی یابد تا با ترتیب کارت‌های او هماهنگ شود. به دلیل وجود انواع مختلف از اشیاء مشابه (چندین نوع ماهی) آزمودنی‌ها نمی‌توانستند برای تشخیص آن شیء فقط از نام شیء به تنهایی استفاده کنند. درضمن آزمودنی‌ها برای اشاره به اشیاء روی کارت از اصطلاحات مشترکی استفاده کردند. بنابراین طرفین گفتگو مجبورند در این فرایند به یک توافق مفهومی موقت دربارهٔ چگونگی مفهوم‌سازی اشیاء و اشاره به آنها دست یابند.» وی در پایان به سؤالات مطرح شده در زمینهٔ هماهنگی زبانی گوینده و شنونده پاسخ گفت.



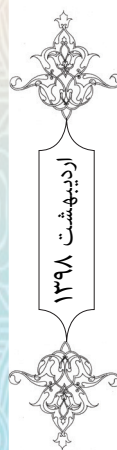
پیوندهای فرهنگی و ادبی ایران و هندوستان

سخنران بعدی، دکتر ابوالقاسم رادفر، به تاریخ حضور زبان فارسی در هند اشاره کرد. وی گزارشی مختصر از حضور فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در هند را از عصر غزنویان تا مغولان و گورکانیان عرضه کرد و بر نقش شاعرانی چون رابعه بلخی، عبدالله روزبه النکتی، مسعود سعد سلمان در گسترش زبان و ادب فارسی تاکید کرد. آخرین سخنران این نشست دکتر نرگس جابری نسب، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب بود که نخست به فرایند تدوین پنجساله کتاب «زبان فارسی در هند» اشاره کرد و سپس نقش مهم و اساسی صوفیان در تبلیغ زبان فارسی در شبه قاره را یادآور شد. او در قسمت پایانی سخنان خود، به نقد عملکرد سازمان‌ها و ارگان‌های مسئول گسترش زبان فارسی در شبه قاره هند پرداخت.

با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشکده زبان و ادبیات و مدیریت همکاری‌های علمی و بین‌المللی پژوهشگاه و نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نشست علمی «پیوندهای فرهنگی و ادبی ایران و هندوستان» در تاریخ نهم اردیبهشت ۱۳۹۸ برگزار شد.

در ابتدای نشست، دکتر مریم عاملی رضایی، رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا پس از معرفی سخنرانان طی سخنان کوتاهی به قدمت و سابقه دیرینه و قریب به هزارساله پیوندهای فرهنگی ادبی ایران و هندوستان اشاره کرد و تداوم این پیوندها را لازم دانست. در ادامه دکتر شیخ اشتیاق احمد، استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو هند سخنران اول نشست بود که نخست گزارشی از فرایند تدوین کتاب «ادبیات فارسی در هند» ارائه کرد و گفت: «این کتاب حاصل کار مشترک علمی وی با دکتر جابری نسب است که در نمایشگاه

بین‌المللی کتاب از آن رونمایی شده است. کتاب شامل ۶ مقاله «زبان فارسی در عصر گورکانیان هند»، «شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری»، «سراج‌الدین علی‌خان»، «نواب صدیق حسن‌خان»، «منشی نولکشور» و «منشی هرگوپال تفته» است که با همکاری پژوهشگران جوان هندی تدوین شده است». دکتر احمد در بخش دوم سخنان خود به سهم ادیبان و دانشمندان هندی در گسترش زبان و ادبیات فارسی در سرزمین شبه قاره هند پرداخت.



پژوهش‌های تاریخی در خدمت منافع ملی

گزارشی از عملکرد دستگاه دیپلماسی انگلستان در قبال دولت و ملت ایران و حادثه ملی شدن صنعت نفت عرضه کرده است. دومین متن گزارش نیکلاس براون، کارمند سفارت انگلستان و بعدها سفیر این کشور در ایران بود که به حوادث سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ میلادی، یعنی چهار سال منتهی به انقلاب اسلامی

به همت مرکز اسناد فرهنگی آسیا، سخنرانی «پژوهش‌های تاریخی در خدمت منافع ملی: تجربه مورخان رسمی دولتی بریتانیایی در قبال تحولات ایران براساس اسناد نویافته» با حضور و ارائه دکتر مجید تفرشی در روز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ در سالن حکمت برگزار شد.



ایران، می‌پرداخت. در این گزارش نیز عملکرد دولت انگلستان دربارهٔ حوادث مربوط به ایران و سال‌های آخرین حکومت محمدرضا پهلوی بررسی شده و توصیه‌هایی به عمل آمده است. دکتر تفرشی با تحلیل نکاتی که در گزارش عملکرد دولت انگلیس در سفارش تدوین این اسناد وجود دارد، چگونگی بهره‌برداری دولت انگلستان را از پژوهش‌های تاریخی - اسنادی تشریح کرد و این تجربیات را به عنوان الگویی موفق در سیاست خارجی کشورها قابل تأمل و بهره‌برداری دانست. در انتهای نشست، دکتر تفرشی به سؤالات حاضران پاسخ گفت.

دکتر مجید تفرشی در ابتدای سخنان خود به آرشیوهای اسناد مربوط به ایران در انگلستان و نقش شخصیت‌های تاثیرگذار در این زمینه اشاره کرد و گفت: «شخصیت‌هایی چون توماس ادوارد لورنس، گرتروود بل، پرسی سایکس و ان لمبتون که در شکل‌گیری این آرشیوها نقش داشتند».

دکتر تفرشی در بخش بعدی سخنان خود دو متن از آرشیوهای موجود در انگلستان را که به وقایع ایران می‌پردازند، معرفی کرد و گفت: «نخستین متن متعلق به دورهٔ صدارت دکتر مصدق و ماجرای ملی شدن صنعت نفت ایران بود. این متن گزارشی ۳۰۰ صفحه‌ای است که روغن باتلر با عنوان «تخلیه آبادان» تهیه کرده است و به بهانه تخلیه شهر آبادان از سوی انگلیسی‌ها،



سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی دگرگونی‌ها و نتایج

از سال ۲۰۰۱ سیاست منطقه‌ای عربستان وارد مرحله گذار و تحول تدریجی شد که این دگرگونی‌ها در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ به اوج خود رسید. این تحول از حفظ‌گرایی به تجدید نظرطلبی، کنشگری و عملگرایی است که عوامل مختلفی در آن اثرگذار بوده که عبارتند از:

گروه مطالعات روابط بین‌الملل پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل، روز سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ۹۸ نشست «سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی: دگرگونی‌ها و نتایج» برگزار کرد. دکتر علی اکبر اسدی، عضو هیأت علمی



- تغییرات در سطح بین‌المللی و شکل‌گیری دوره گذار که به تمرکز امریکا بر شرق و در نتیجه کاهش حضور و اثرگذاری امریکا در منطقه و نگرانی عربستان از کسب حمایت منجر شد.
- تغییرات تدریجی در موازنه قدرت منطقه‌ای که شامل افزایش نقش برخی قدرت‌ها مانند ایران و محور مقاومت به اضافه ترکیه بود.
- ظهور جنبش‌های جدید در منطقه شامل افزایش قدرت گروه‌های مقاومت، گروه‌های افراط‌گرایی سلفی-جهادی و جنبش‌های دموکراتیک بوده است.
- افزایش رقابت‌های درونی و تغییرات نسلی در نخبگان سیاسی عربستان که در دوره ملک سلمان

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل درباره سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی، گفت: «سیاست منطقه‌ای سنتی عربستان براساس اصول حفظ وضع موجود، محافظه‌کاری و احتیاط بنا گذاشته شده بود و محورهای آن عبارت بودند از:
- ائتلاف با قدرت‌های بزرگ و همکاری با آنها در منطقه (تضمین بقا و امنیت)
- موازنه‌گرایی و مهار دولت‌های تجدیدنظر و انقلابی (مصر ناصری-عراق بعثی و ایران انقلابی)
- مهار و مقابله با جنبش‌های نوین معارض (کمونیستی-سوسیالیستی و اسلامی متعادل) اما



اوج گرفت و باعث تسلط محمدبن سلمان بر ارکان قدرت و سیاست خارجی این کشور شد». اسدی افزود: «در دوره اخیر رویکردها و اقدامات نوین عربستان در سطح منطقه‌ای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ترمیم شراکت راهبردی با آمریکا و بهبود روابط با سایر قدرت‌های بزرگ که باعث تقویت روابط عربستان با آمریکا در دوره ترامپ شد.

- مدیریت بحران‌ها و دولت‌سازی که در مواردی مانند بحرین و مصر با موفقیت همراه بود و در مواردی مانند سوریه و یمن به ناکامی عربستان منجر شد.

- ترمیم موازنه قوا و ائتلاف‌سازی‌های جدید که برای ایجاد موازنه به خصوص در برابر ایران دنبال شد. ایجاد اتحادیه کشورهای پادشاهی در سال ۲۰۱۱، تبدیل شورای همکاری به اتحادیه، ایجاد ائتلاف گسترده از کشورهای عربی و اسلامی مانند ائتلاف مبارزه با تروریسم با مشارکت ترکیه و پاکستان و جدیدترین مورد ائتلاف اتحاد راهبردی خاورمیانه موسوم به ناتو عربی از مهم‌ترین تلاش‌های عربستان در این راستا بود که عمدتاً با ناکامی روبرو شد.

- جنبش‌سازی و جنبش‌ستیزی: عدم موفقیت در ایجاد جنبش‌های همسو و اثرگذار و موفقیت نسبی در مقابله با برخی جنبش‌های منطقه‌ای در این خصوص قابل توجه است.

- مقابله با ایران محور انتظام بخش سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی بوده است. حضور در سوریه و پیشنهاد جدایی از ایران، حمله به یمن و تلاش برای حذف انصارالله، همکاری با آمریکا و اسرائیل در مقابله با جریانهای مقاومت به خصوص حزب الله، تلاش برای کاهش نفوذ ایران در عراق و ممانعت از تقویت روابط ایران با کشورهای منطقه و تعامل با اسرائیل برای مقابله با ایران از جمله مهم‌ترین تلاش‌های ریاض در این راستا بوده است».

وی در جمع‌بندی سخنان خود تأکید کرد: «در مجموع عربستان سعودی با توجه به تغییرات جدی

در موازنه قدرت و شرایط منطقه‌ای، دگرگونی‌ها و مشخصه‌های دوره گذار در سطح بین‌المللی و به قدرت رسیدن نسل جدید رهبران در داخل، از سیاست مبتنی بر حفظ وضع موجود و محافظه کاری و احتیاط کاری گذشته فاصله گرفته و به سمت راهبردی تجدیدنظر طلبانه با رویکردی کنشگرانه و تهاجمی رفته است. این تغییرات به رغم برخی دستاوردها در بعضی حوزه‌ها در مجموع نتوانسته است باعث تحقق اهداف و منافع ملی و امنیتی این کشور شده و حتی در موارد قابل توجهی نتایجی معکوس داشته است. سیاست خارجی عربستان در سطح منطقه عمدتاً با ناکامی‌های جدی مواجه شده اما بهبود روابط با دولت آمریکا در دوره ترامپ و همکاری‌های بین دو کشور باعث ایجاد مشکلاتی برای ایران به خصوص در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی شده است. به خصوص ورود عربستان به حوزه‌های درونی ایران و همراهی با سیاست بی‌ثبات‌سازی آمریکا، روابط دو کشور در مرحله پیش‌رو را، با چالش‌ها و پیچیدگی‌های زیادی مواجه کرده است».



هم‌اندیشی میراث ناملموس: «پرسش‌ها، چالش‌ها و رویکردها»

در ادامه دکتر آتوسا مؤمنی، پژوهشگر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در سخنان خود با عنوان «قدرت نرم میراث فرهنگی ناملموس در حفظ هویت فرهنگی و گسترش وفاق اجتماعی در عرصه ملی و بین‌المللی» با ذکر این نکته که میراث فرهنگی ناملموس از ظرفیت‌های بی‌بدیل و به اعتباری از ارکان جوامع صاحب هویت امروز برای رسیدن به توسعه پایدار



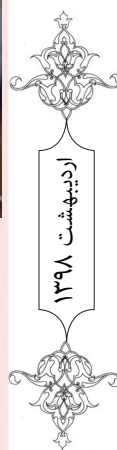
است، گفت: «جوهره و روح میراث فرهنگی ملاموس امری تاریخی است. صور موارث تاریخی ما از نوع منقول و غیرمنقول، مولود میراث ناملموسی هستند که به پشتوانه تفکر روحانی انسان از دیرباز، با انتقال بین نسلی و مبتنی بر نیاز انسان، حیات خود را ادامه داده و در دنیای امروز خود را نشان داده‌اند. انسان‌ها در میان باورهایی که زندگی خود را بر آن بنیان نهاده‌اند، غوطه‌ورند و همواره امور خود را با آن ارزش‌ها همراه کرده و تطبیق می‌دهند. این امر در سطح جامعه به وفاق اجتماعی انجامیده و سبب می‌شود انسان در مسیر توسعه پایدار و صلح حرکت کند».

بهروز وجدانی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری نیز در سخنرانی خود درباره «میراث فرهنگی ناملموس» سخن گفت و چند سند فرهنگی یونسکو را که به تدوین کنوانسیون سال ۲۰۰۳ یونسکو با عنوان «کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس» انجامید، معرفی کرد. وی اشاراتی نیز به نام و محتوای پرونده‌های ۱۳ گانه میراث فرهنگی ناملموس که جمهوری اسلامی ایران به یونسکو ارائه کرده و به ثبت نیز رسیده‌اند، کرد. وجدانی در بخش آخر سخنان خود به مسائل مرتبط با موضوع میراث فرهنگی ناملموس از قبیل تنوع فرهنگی، توسعه پایدار،

با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیا و پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری نشست «هم‌اندیشی میراث ناملموس: پرسش‌ها، چالش‌ها و رویکردها» در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۸ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. اولین سخنران این نشست دکتر علیرضا حسن‌زاده،



رئیس پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، در سخنرانی خود با عنوان «فضای اجتماعی، میراث ناملموس و هویت» به تبیین جایگاه میراث ناملموس در توسعه پایدار و نقش آن در توسعه پایدار و سیاست‌گذاری‌های کشور پرداخت. وی با نقد جایگاه میراث فرهنگی در الگوهای توسعه کشور گفت: «به ظاهر گفتمان میراث فرهنگی که به‌ویژه در قالب فرایندهای سیاست‌گذاری دولتی قابل مشاهده است، گفتمانی کنوانسیون‌مدار و ثبت محور است که در عین مهم و الزامی بودن، به عنوان یکی از شروط توسعه پایدار می‌باید به گفتمان مهم‌تری چون «توسعه‌محور» و «میان‌سازمانی بودن» میراث فرهنگی تبدیل شود. بر این اساس می‌توان از «میراثی‌شدن»، برابر با «فرهنگی‌شدن»، در برابر «پولی و کالایی شدن» مدل توسعه که به فضاهای شهری، روستایی و زیست‌محیطی با مخدوش کردن حریم و منظر آسیب وارد می‌سازد، یاد کرد. به‌واقع، خودآگاهانه شدن توسعه در ایران، وابسته به جایگاه و درجه اهمیتی است که به میراث فرهنگی داده می‌شود و در این میان، علوم میراثی چون مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، معماری، مرمت، هنرهای سنتی و غیره اهمیتی بسیار فراوان دارند».



میراث فرهنگی ملموس پرداخت.

آخرین سخنران نشست شروین گودرزی، پژوهشگر پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری درباره «دیپلماسی فرهنگی و میراث فرهنگی ملموس» سخن گفت. وی با اشاره به اینکه فرهنگ یک زینت برای وجود انسان نیست، بلکه شرایط جوهری برای وجود آدمیان است، تأکید کرد: «هیچ چیز در طبیعت بشری و جامعه بشری مستقل و مجزا از فرهنگ نیست. به بیان دیگر، انسان بی فرهنگ معنا ندارد و همین «فرهنگ»

هویت بخش ترین عنصر انسان است».

گودرزی با اشاره به ذهنیت و پیش فرض نویسندگان «کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ملموس» از مقوله فرهنگ، به مفاد این کنوانسیون اشاره کرد و افزود: «با پیوستن حدود ۱۸۰ کشور از جمله ایران به این کنوانسیون، موضوع دیپلماسی فرهنگی، بازسازی بخشی از هویت فراموش شده و حتی هویت سازی از طریق میراث فرهنگی به ویژه از طریق میراث فرهنگی ملموس به یکی از چالش های جدی در عرصه بین المللی شده است».

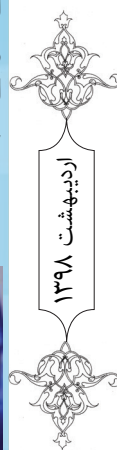


تجلیل از دکتر نعمت‌الله فاضلی به‌عنوان پژوهشگر فرهنگی برتر در همایش ملی خلیج فارس

همچنین تندیس یادبود پدر مطالعات خلیج فارس، استاد مرحوم دکتر احمد اقتداری به محمدصادق رحمانیان مدیر وصی فرهنگی ایشان و مدیر رادیو فرهنگ اهدا شد.

صادق رحمانی وصی فرهنگی دکتر اقتداری و مدیر رادیو فرهنگ، ضمن اشاره به وصیت استاد دکتر احمد اقتداری، گفت: «طبق سفارش استاد اقتداری، جایزه‌ای دوسالانه با نام «جایزه فرهنگی احمد اقتداری» در حوزه خلیج فارس و جنوب‌شناسی، با داوری متخصصان و استادان دانشگاه، به تحقیقات اصیل علمی و دانشگاهی شکل خواهد گرفت تا بتوانیم با همراهی مراکز دانشگاهی، گام‌های تحقیقی بلندتری را در این خصوص برداریم و برای تحقق این مهم از همکاری نهادها و مراکز علمی - پژوهشی استقبال می‌کنیم».

به گزارش روابط عمومی مرکز گردشگری علمی- فرهنگی دانشجویان ایران (ISTTA)، در پایان مراسم سیزدهمین همایش ملی علمی- فرهنگی خلیج فارس که عصر شنبه در دانشگاه علم و فرهنگ برگزار شد، در بخش نویسندگان مقالات برگزیده از فرزاد میرزایی قلعه، فرزانه عبداللهی و محمدجواد سهرابی، در بخش برگزیدگان ویژه همایش از دکتر ابراهیم حاجیانی و دکتر نعمت‌الله فاضلی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به عنوان پژوهشگران برتر حوزه مطالعات خلیج فارس و از حجت الاسلام والمسلمین دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات، مجتبی برزگری خبرنگار خبرگزاری ایکنا و سهیلا رضایی خبرنگار رادیو فرهنگ در بخش رسانه‌های خبری که بیشترین همکاری را در پوشش اخبار خلیج فارس داشته‌اند، تجلیل و قدردانی به عمل آمد.



مصاحبه با مهندس جواد صالحی (مدیر مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات)

در شورای آی تی به این جمع‌بندی رسیدیم و با شرکت مورد نظر به توافق رسیدیم. چند سالی هست که دولت دستگاه‌ها را مکلف کرده است تا سیستم‌های اداری‌شان را به نظام تعهدی پیش ببرند. ما هم چون سیستم یکپارچه برای ذخیره اطلاعات اموال، انبار، کتابفروشی و ... نداشتیم



حدود ده سالی بود که سیستم اتوماسیون اداری پژوهشگاه را شرکت برسا نوین (سکو) عهده‌دار بود اما از اوایل سال ۱۳۹۸ سیستم مروارید جایگزین آن شد و دوره‌های آموزشی نیز برای کار با این سیستم جدید برای همکاران در نظر گرفته شد. به همین مناسبت، گفتگویی با مهندس جواد صالحی، مدیر مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات پژوهشگاه، انجام دادیم که از نظرتان می‌گذرد:

ایده جایگزینی سیستم سکو از چه زمانی مطرح شد؟

بحث تغییر سیستم‌های نرم افزاری و جایگزینی‌اش با سیستم جامع از سال ۱۳۹۶ مطرح شد و بررسی‌های اولیه هم به عمل آمد. وقتی از سیستم جامع صحبت می‌کنیم، فقط بحثمان اتوماسیون اداری نیست بلکه هدف ما تمام سیستم‌های اداری، مالی، آموزشی، دانشجویی، کارگزینی و ... را شامل می‌شود. هدف ما این بود که تمام قابلیت‌های مورد نظرمان را از یک شرکت تهیه کنیم و اطلاعات مشترک را در یک جا استفاده کنیم.

چطور شد که با شرکت سامانه ساز مروارید به توافق رسیدید؟

در بررسی و جمع‌بندی عملکرد شرکت‌های مختلف عملکرد ۴ شرکت مورد پسند ما واقع شد. شرکت‌های چارگون، همکاران سیستم، آی کن و شرکت سامانه‌ساز مروارید چهار شرکتی بودند که توانسته بودند نظر ما را به توانمندی‌های خود جلب کنند. پس از بررسی نقاط ضعف و قوت، هزینه‌ها و عملکرد گزینه‌های مورد نظرمان در نهایت با شرکت سامانه‌ساز مروارید به توافق رسیدیم که این سیستم می‌تواند به صورت یکپارچه امور اداری، مالی، آموزش، کارگزینی و ... را پوشش دهد.

کدام مدیران در مورد انتخاب شرکت سامانه‌ساز مروارید به عنوان اتوماسیون اداری پژوهشگاه تصمیم‌گیری کردند؟

ما بر اساس یک تصمیم جمعی به این نتیجه رسیدیم. با تصمیم هیأت رئیسه، مدیر امور اداری، معاون اداری، مالی و منابع انسانی، معاون فرهنگی، معاون پژوهشی و کسب مشورت از استادان پژوهشگاه

تصمیم گرفتیم در جهت یکپارچه‌سازی سیستم اتوماسیون اداری حرکت کنیم.

آیا دانشگاه‌ها یا نهادهای دولتی مطرح کشور هم از این سیستم استفاده می‌کنند؟

بله، ما با بخش خصوصی نمی‌توانستیم همکاری داشته باشیم از این‌رو با شرکت‌های خوشنام و قدر مذاکره کردیم. به‌طور مثال دانشگاه صنعتی شریف با سیستم «آی کن» همکاری دارد و سیستم اتوماسیون اداری‌اش یکپارچه نیست. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با شرکت سامانه‌ساز مروارید همکاری دارد و حالا ما بدون استفاده از کاغذ می‌توانیم با این وزارتخانه مکاتبه داشته باشیم. این را هم فراموش نکنیم شرکت سامانه‌ساز مروارید در گردش مکاتبات نمره خوبی گرفته است و شاید در سایر زمینه‌ها ضعف‌هایی داشته باشد که تلاش می‌شود رفع شود. شرکت آی کن

ممکن شده است. قبلاً سازمان بازرسی کشور به آن ایراد گرفته بود که اکنون م توانیم خیلی راحت در مقابل سؤالات مطرح شده پاسخگو باشیم. از یاد نبریم پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری هم به مجموعه پژوهشگاه اضافه شده است. بنابراین مکاتبات و تبادل اطلاعات افزایش خواهند داشت.

کدام دانشگاه‌ها یا نهادهای دولتی از شرکت سامانه ساز مروارید استفاده می کنند؟

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه صدرا، سازمان امور دانشجویی، دانشگاه خواجه نصیر از سامانه ساز مروارید استفاده می کنند اما دانشگاه شهید بهشتی، امیرکبیر، آزاد، پیام نور، پژوهشگاه ژنتیک، جهاد دانشگاهی و ... سیستمی غیر از مروارید دارند.

قبول دارید برخی از همکاران هم از سیستم سامانه ساز مروارید راضی نیستند و مدام از سختی کار با آن انتقاد می کنند؟

در مقابل خیلی‌ها هم از ما تشکر می کنند و اینطور نیست که اکثریت همکاران از ما ناراضی باشند منتهی بیشتر اعتراض‌ها به خاطر تازه بودن سیستم و دشواری کار با آن است که به مرور رفع می شود. ان شاءالله در نسخه جدید که سال آینده آماده می شود بسیاری از مشکلات، رفع خواهد شد و جای بسی امیدواری هست. یکپارچه سازی سیستم‌ها مزیت است و کاغذ به طور کامل از سیستم اداری پژوهشگاه حذف خواهد شد. همه کارها از قبیل ارزشیابی، نظرسنجی و ... از طریق سیستم سامانه ساز مروارید انجام می گیرد. این سیستم حدوداً سابقه ۱۵ ساله‌ای دارد که از حدود ۱۰ سال قبل در وزارت علوم متولد شد.

به نظر شما این سیستم حدوداً چند سال در پژوهشگاه می تواند دوام داشته باشد؟

سیستم سکو حدود ۱۰ سال دوام آورد و سیستم‌های نرم افزاری اگر ضعف‌هایشان رفع شود می توانند بیشتر دوام داشته باشند. همچنین قرار است سیستم تغذیه هم به آن اضافه شود.

در ثبت گردش کار مرخصی‌ها، مأموریت‌ها و ... نمره خوبی کسب کرد. با این حال ما به خاطر یکپارچه سازی سیستم توماسیون اداری پژوهشگاه به حداقل‌ها راضی شدیم. تحت وب بودن سامانه ساز مروارید برای ما امتیاز بزرگی به شمار می رود. این را هم اضافه کنم، نسخه فعلی «چارگون» فقط با اینترنت اکسپلورر کار می کند ضمن اینکه شرکت سامانه ساز مروارید در حال ارتقاء اساسی است و قطع یقین سال آینده مشکلاتش کمتر از این خواهد شد.

قبول دارید کار کردن با سیستم شرکت سامانه ساز مروارید دشوار است؟

ما چون قبلاً با سکو کار کرده بودیم که تحت وب نبود در نتیجه کار با آن آسان تر به نظر می رسید. ضمن اینکه مطلع هستیم سیستم‌های نرم افزاری امکانات وسیع تری می خواهند. خیلی از همکاران به نحوه کار با سیستم جدید آشنا نیستند و به همین دلیل هفته اول مدام تلفن کارشناسان ما زنگ می خورد و همکاران را راهنمایی می کردند اما وضعیت اکنون بهتر شده است. در سیستم اتوماسیون اداری سکو پیام مثل یک نامه بود اما در سیستم مروارید مثل پیامک (sms) است. همچنین طبق مصوبه شورای مدیران در سیستم اتوماسیون اداری جدید هر کاربری نمی تواند به تمام کاربران پیام بدهد و در حالت کلی هر کاربر می تواند به مافوق خود یا کاربران رده هم سطح و پایین تر پیام بدهد. این تصمیمی بود که به صورت ساختاری در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اتخاذ شد. البته در این خصوص استثناهایی هم وجود دارد و حدوداً فهرست ۴۰ نفره‌ای از کاربران می توانند با کل پژوهشگاه در ارتباط باشند که از جمله آن می توان به واحد روابط عمومی، تعاونی‌ها، واحد بسیج و ... اشاره کرد. از طرف دیگر کار دبیرخانه مرکزی هم کمتر شده است.

جنابعالی شخصا تا چه اندازه به استقبال خوب همکاران از سیستم سامانه ساز مروارید امیدوار هستید؟

خیلی. باید با صبر و حوصله جلو برویم به طور مثال بخش آموزش، در ترم جدید از این سامانه بسیار راضی بودند. در بخش انبار و اموال هم تمام کارها اتوماتیک انجام می گیرد و همه راضی هستند. از طرف دیگر پاسخگویی ما به نهادهای نظارتی هم



دیدار ماهانه اعضای هیأت علمی با هیأت رئیسه پژوهشگاه

در ادامه دکتر شکوه السادات حسینی، مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی پژوهشگاه، گزارشی از فعالیت‌های این دفتر در سال گذشته ارائه و به جزئیات برگزاری همایش‌ها و نشست‌های بین‌المللی اشاره کرد.

همچنین دکتر مسعود قیومی، نماینده دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی گزارش خود را با موضوع «معرفی دانشگاه ساپینزا در رم ایتالیا برای یافتن ظرفیت مشترک بین پژوهشگاه و این دانشگاه و اجرای فعالیت‌های دوسویه در چارچوب تفاهم‌نامه منعقد شده بین دو مؤسسه» برای حاضرین ارائه کرد.

در ادامه دکتر سلمان صادقی‌زاده، عضو هیأت علمی گروه پژوهشی امنیت و جامعه، درباره بایسته‌های نهادی و ساختاری رشد اقتصادی گفت: «تولید یکی از مؤلفه‌های اقتصادی است و نمی‌توان آن را منتزع از سایر مؤلفه‌های اقتصادی درک و تبیین کرد. به همین سان و با منطقی مشابه تبیین مؤلفه‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های غیراقتصادی ناممکن است. این امر ضرورت مد نظر قرار دادن یک «چارچوب تألفی» که بتوان ذیل آن ارتباط میان مؤلفه‌های مختلف را ترسیم کرد، دو چندان می‌کند. موضوع تولید فی نفسه

اولین جلسه از دیدار ماهانه اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور دکتر قبادی و اعضای هیأت رئیسه پژوهشگاه در سال جدید، روز دوشنبه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برگزار شد. در ابتدای جلسه، دکتر قبادی ضمن تبریک میلاد امام زمان (عج) و اعیاد شعبانیه با اشاره به وقوع بحران‌هایی چون سیل، گفت: «علوم انسانی این توانمندی را دارد که بحران‌های این چنینی را با تحقیق و پژوهش‌های کاربردی و مؤثر کنترل و مهار کند که نیاز است پژوهشگران ما در این زمینه‌ها بیشتر تمرکز کنند». وی ادامه داد: «تک تک پژوهشگران ما باید از تخصص و توانمندی‌های همدیگر آگاهی داشته باشند و در فعالیت‌های پژوهشی خود بدان توجه کنند».

دکتر قبادی اعلام سال «رونق تولید» از سوی مقام معظم رهبری را یک فرصت برای همه علوم انسانی کشور، به ویژه پژوهشگاه دانست و اعلام کرد: «در همین یک ماه اول سال جدید پژوهشگاه فعالیت‌های خوبی در این زمینه داشته است و یک ملاقات با وزیر محترم علوم با این موضوع برگزار شد. همچنین چهار جلسه درون‌سازمانی با موضوع «رونق تولید» و کارگروه ویژه و استخراج ویراست اولیه طرح تحقیق در این حوزه تشکیل شد».



اقتصادی و رونق تولید، استیلای منطق خرده نظام سیاسی بر سایر خرده نظام‌های چهارگانه است. امری که منطق اقتصادی را منقاد منطق سیاسی کرده و به برهم خوردن تعادل نظام اجتماعی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی انجامیده است. بنابر آنچه رفت، هر گونه تلاش برای رشد و شکوفایی اقتصادی و در نتیجه شکوفایی تولید بدون ایجاد تعادل سیستمی و گذار از اقتصاد رانتی، متمرکز و انحصارگرا به یک اقتصاد باز، شفاف و رقابتی میسر نخواهد بود.

در پایان جلسه اعضای هیأت علمی به تبادل نظر درباره مسائل گوناگون پژوهشی، اداری و سازمانی با هیأت رئیسه پرداختند.

یک موضوع «اقتصادی» است اما دارای پیش‌شرط‌هایی «غیر اقتصادی» است. از جمله پیش‌شرط‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که ترکیبی از آنها می‌تواند شکل‌دهنده پیش‌شرط‌های نهادی و ساختاری است. مهم‌ترین پیش‌شرط ساختاری رشد اقتصادی که رشد تولید را نیز شامل می‌شود، تعادل ساختاری است؛ به این معنا که میان چهار خرده نظام جامعه (خرده نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) تعادل برقرار شده و عملکرد هیچ یک از آنها مخل عملکرد خرده نظام‌های دیگر نباشد.

صادقی‌زاده تصریح کرد: «در ایران امروز یکی از مهم‌ترین وجوه آسیب‌شناختی در رابطه با رشد



استقبال از آثار پژوهشگاه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران



معرفی و رونمایی از کتاب «جستارهایی درباره فلسفه و ادبیات»
تألیف دکتر کریم مجتهدی
در نمایشگاه بین‌المللی کتاب، دهم اردیبهشت ۱۳۹۸



معرفی و رونمایی از کتاب «اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران»
تألیف دکتر آیت‌اله میرزایی و دکتر معصومه قاراخانی
در نمایشگاه بین‌المللی کتاب، نهم اردیبهشت ۱۳۹۸



بازدید دانش آموزان دختر منطقه شش تهران از پژوهشگاه علوم انسانی

علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سالن حکمت پیرامون اهمیت علوم انسانی و چرایی علوم انسانی توضیحاتی ارائه کرد و گفت: «علوم انسانی، علم مطالعه انسان است و همه امور مربوط به انسان اعم از سبک‌های غذا خوردن، تعارف کردن، آداب و رسوم و نحوه لباس پوشیدن در علوم انسانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد». وی افزود: «با کسب دانشی به نام علوم انسانی، تلاش می‌کنیم که خیلی خوب انسان و دیگری را بشناسیم و در نتیجه انسانی تر زندگی کنیم». در انتهای این نشست دکتر فاضلی به سؤالات دانش آموزان پاسخ داد.

روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ با هماهنگی معاونت فرهنگی- اجتماعی پژوهشگاه، برای سومین بار گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه منطقه ۶ تهران که در آستانه انتخاب رشته قرار دارند، جهت آشنایی با رشته‌های علوم انسانی و پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه، از این مرکز پژوهشی بازدید کردند. در ابتدای این مراسم، دانش‌آموزان به صورت گروهی از کتابخانه مرکزی پژوهشگاه بازدید کردند و دکتر رادفر رئیس کتابخانه پژوهشگاه، توضیحات لازم را در خصوص نحوه کار کتابخانه به دانش‌آموزان ارائه داد. در ادامه این برنامه دکتر نعمت‌الله فاضلی، عضو هیأت



ارسال کمک‌های نوع دوستانه پرسنل پژوهشگاه به سیل‌زدگان کشور



۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ در راستای همدردی و کمک با سیل‌زدگان کشور، پرسنل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود از طریق یک کامیون اقلام ضروری را به مناطق سیل‌زده کشور ارسال کردند. همچنین بخشی از حقوق کارکنان، پژوهشگران و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه به این امر انسانی اختصاص یافت و برخی از پرسنل پژوهشگاه نیز کمک‌های نقدی خود را به حساب‌های اعلام شده جمعیت هلال احمر کشور واریز کردند.

کمک‌های ارسالی شامل مواد غذایی و بهداشتی، مواد شوینده، برنج، روغن، اسباب بازی و برخی اقلام حمایتی بود

که به صورت بسته بندی شده در اختیار آسیب‌دیدگان سیل در روستاهای پلدختر (استان لرستان) قرار گرفت. همچنین بخشی از کمک‌های جمع‌آوری شده نیز به صورت نقدی در اختیار آسیب‌دیدگان شدید سیل قرار گرفت.



نکوداشت مقام علمی دکتر عبدالحسین فرزاد



نکوداشت مقام علمی دکتر سیدمصطفی عاصی





پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
کد اختصاصی: ۹۸۱۹۰-۰۰۵۰۵



پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی



موسسه تخصصی
آرکسگاه شمس تبریزی



شورای اسلامی شهر خوی و فرمانداری و استانداری و وزارت علوم

مکان: ایران، آذربایجان غربی، خوی

زمان: ۷ و ۸ مهرماه ۹۸

علاقه‌مندان می‌توانند جهت ارسال مقاله و کسب اطلاعات بیشتر به سایت همایش بین‌المللی علمی شمس و مولانا به آدرس www.conf-shams.ir مراجعه نمایند.

دبیرخانه علمی همایش: تهران بزرگراه کردستان، خیابان دکتر صادق آینه‌وند (۶۴ غربی) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی // ۸۸۰۶۶۰۵۳۰ تلفکس

دبیرخانه اجرایی: استان آذربایجان غربی، خوی، خیابان شهید صمدزاده ساختمان شورای اسلامی شهر تولیت شمس تبریزی // ۰۴۴-۳۶۴۴۰۹۰



پنجمین The 5th International Scientific Conference همایش بین‌المللی شمس and Mevlana ومولانا

29-30
september

KHOY - IRAN

محورهای پنجمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا:

- شمس و مولانا از منظر پژوهش‌های ادبی و عرفانی
- شمس و مولانا از منظر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای
- تشابه و تمایز اندیشه‌های عرفانی شمس و مولانا (مطالعات تطبیقی)
- بازخوانی اندیشه‌های شمس و مولانا با رویکردهای میان‌رشته‌ای
- بازخوانی اندیشه‌های شمس و مولانا با رویکردهای نقد ادبی
- دیدگاه‌های شمس و مولانا در عرصه تفکرات دینی، فرهنگی و اجتماعی
- آسیب‌شناسی پژوهش‌های مرتبط با شمس و مولانا
- هنرهای آیینی و نمایشی متأثر از شمس و مولانا
- تأثیر مقالات شمس بر ادب فارسی و ترکی
- تشابه و تمایز اندیشه‌های عرفانی و کلامی شمس با سایر متکلمان
- تأثیر شمس و مولانا بر طریقت‌های پس از آنان
- نقش اوضاع سیاسی، اجتماعی و تاریخی در پرورش شخصیت شمس تبریزی
- بررسی تطبیقی اوضاع تاریخی-اجتماعی ایران و آناتولی مقارن عصر شمس و مولانا
- موقعیت جغرافیایی و اجتماعی خوی در توسعه علم و فرهنگ و عرفان
- ظرفیت مکتب شمس و مولانا در گسترش فرهنگ صلح، تعامل و مدارا در جهان معاصر
- جایگاه و نقش شمس و مولانا در پیوندهای فرهنگی و تعاملات ایران و ترکیه
- تأثیر نصوص دینی بر افکار شمس و مولانا
- نسخه پژوهی مقالات شمس
- جایگاه شمس در مناقب‌نامه‌ها
- رویکردهای روایی در مقالات
- عرفان اسلامی در اندیشه و آثار شمس و مولانا

KHOY - IRAN
29-30
september



(ع) مرکز تحقیقات امام علی (ع) برگزار می کند

بروش و تحلیل محورهای ذیل در حوزه اندیشه و سیره امام علی علیه السلام

- ۱- **سبانی نفی صلیع**
 - اصابت کرکرت، صلیع حقن انسان
 - اصابت صلیع و صلیع کرانی
 - خرد کرانی در فونک صلیع
 - اصابت صلیع (در سبانی معرفت شناسی و روش شناسی)
 - اصابت صلیع تحت قیوت بی دینی
 - معنایابی درباره صلیع
 ۲- **مختصات فونک صلیع**
 - اصابت صلیع کرانی
 - عوامل و مؤلفه صلیع

میت نام

شرکت کنندگان تالمان ترماد سال ۱۳۹۸ فرصت دارند نسبت به ثبت نام الکترونیکی در سامانه جامع گنگره من الملی امام علی (ع) رضوی و ارسال آثار خود از طریق وبگاه www.imamali.ac.ir اقدام نمایند. زمان برگزاری گنگره و اعلام حائز: شهریورماه ۱۳۹۸

شانی: نزرکاره کروتان، خلمان صادق آخوند (خلمان ۶۴)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام و سرخانه گنجینه من الملی امام علی (ع) (نشری، شماره تلفن: ۸۸۶۳۴۷۰)

imamali.ir@gmail .com



پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
با همکاری پژوهشکده ادبیات و پژوهشکده تاریخ برگزار می‌کند:

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همایش ملی

تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه

عبدالله قطب‌بن‌محمی

محورهای همایش:

۱) زندگی

- زندگی و سلوک اجتماعی
- بررسی منابع و اسناد موجود در باب زندگی قطب
- منابع فکری قطب و بررسی میزان تاثیرگذاری این منابع

۲) اندیشه

- اندیشه اجتماعی و سیاسی
- اندیشه دینی و عرفانی
- نسبت اندیشه قطب با وضع معاصر ما

۳) آثار

- سبک‌شناسی نوشته‌های قطب
- جایگاه نوشته‌های قطب در میان آثار عرفانی
- قطب و زبان فارسی
- بررسی و معرفی آثار قطب

تاریخ برگزاری همایش: نیمه اول آذر ۱۳۹۸

ملت ارسال چکیده مقالات:

۳۱ خرداد ۱۳۹۸

اعلام نتایج داوری چکیده مقالات:

۳۱ تیر ۱۳۹۸

تاریخ ارسال اصل مقالات:

۳۱ شهریور ۱۳۹۸

تاریخ نهایی ارسال مقالات پس از اعمال نظر داوران:

۲۰ آبان ۱۳۹۸

دبیر اجرایی: دکتر امیرصادقی

دبیر علمی: دکتر مهدی بنایی

تذکرات مهم:

- چکیده مقاله و مقالات اکیداً مطابق شیوه‌نامه نگارش مقالات علمی پژوهشی مجلات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تنظیم و به نشانی occ@ihcs.ac.ir ارسال شود.

- برای اطلاع از شیوه‌نامه نگارش مقالات علمی پژوهشی مجلات پژوهشگاه می‌توانید به نشانی زیر مراجعه نمایید:

<http://occidentstudy.ihcs.ac.ir/data/os/news/nevisandeghan>

مدیر مسئول: سیدمحسن علوی‌پور

سر دبیر: حوریه احدى

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، شهرام اصغری، صادق کیا و سعیده زندی

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah